





مرکز تدوین آثار رهبر شهید

ප්‍රජාතන්ත්‍රවාදය

سردار داود خان

در گذشته ننگین، حاضر جنایت بار و مستقبل هولناک

نویسنده: شهید پروفیسور برهان الدین ربّانی



شناسنامه کتاب

عنوان کتاب: سردار داود خان، در گذشته ننگین، حاضر جنایت بار و مستقبل هولناک؛

نویسنده: شهید پروفیسور برهان الدین ربانی؛

موضوع: سیاسی - تاریخی؛

گردآورنده: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

حروفنگاری: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

ویرایش: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

تصحیح: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

تحشیه: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

طراح جلد: عصمت الله احراری؛

برگ آرائی: خیرالله خیرخواه؛

سال چاپ: ۱۴۰۱ خورشیدی؛

نوبت چاپ: نخست؛

محل چاپ: کابل؛ افغانستان؛

شناسه افزوده: این نوشته به گونه مستقل در سال ۱۳۵۵ هـ ش، از سوی جمعیت

اسلامی افغانستان نیز چاپ و نشر شده است؛

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه؛

شمار برگه‌ها: ۹۹؛

بها: ۱۰۰ افغانی؛

قطع: جیبی؛

چاپخانه: بهیر؛



نشانی ما: صفحه رسمی آثار رهبر شهید؛

نشانی برقی: sh.rabbani1390@gmail.com

حق چاپ و نشر تنها برای مرکز تدوین محفوظ است.

فهرست عناوین

۱۱.....	یادداشت مرکز تدوین.....
۱۷.....	مقدمه.....
۲۵.....	سردار داود خان در گذشته ننگین.....
۵۳.....	خلاصهٔ فراورده‌های کودتای داود خان.....
۶۷.....	داود خان در آینهٔ بین‌المللی.....
۷۵.....	مستقبل هولناک.....
۷۹.....	نمایه.....
۹۱.....	رویکردها.....

یادداشت مرکز تدوین

مرور مسایل و رویدادهای تاریخی، سیر و گشت‌زدن در برگ‌هایی از حوادث تاریخی، نه‌تنها ملت‌ها و جوامع را از احوال و اوضاع حکومت‌ها، دولت‌ها و نظام‌ها، شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی و اجتماعی، کارکردهای صواب و ناصواب آنان، آگاه می‌سازد که ملت‌ها اگر از تاریخ گذشتگان خویش چیزی ندانند و نخوانند و رخدادهای رویدادهای گذشته را چه به گونه‌ی شفاهی و یا کتبی و مستند ارایه نکنند، لابد نسل‌های بعدی آن در خلای معلوماتی قرار گرفته و دچار بحران فکری-فرهنگی، اجتماعی-تاریخی می‌شوند؛

ازاین‌رو، دانشمندان و تاریخ‌نگاران سرزمین ما هم با رسالت دینی و تاریخی‌ای که داشتند و دارند، مسایل مهم تاریخی سرزمین خویش را مهم شمرده و در مقاطع زمانی خاص، به روایت و مستندسازی آن پرداخته‌اند.

یکی از این اندیشمندان بزرگ و با رسالت سرزمین ما-که خود زعامت و رهبری و حکومت را نیز بعدها به‌دوش داشتند، در بستر زمانی خاص، به روایت تاریخی‌ای پرداخته که امروز نسل ما بیشتر از پیش به

بررسی و واکاوی آن نیاز دارد تا برگ‌هایی از آن رویدادها و حوادث سهمناک تاریخی را مرور و مطالعه کرده و خود به نقد و بررسی و داوری بنشینند.

این نوشته که زیر عنوان «سردار داود خان، در گذشته ننگین، حاضر جنایت بار و مستقبل هولناک» نوشته شده است، حدود ۴۶ سال پیش از امروز (۱۳۵۵ هـ ش) در یک وضعیت بسیار خفقان آور - که آزادی‌های دینی، اجتماعی، فردی، سیاسی، فرهنگی، تجمعات مذهبی و... ممنوع و جرم پنداشته می‌شد، موضوع اساسی آن، کودتای داود خان، مسوده قانون اساسی داود خان، حزب ملی وی و همچنان گذشته آن را به بررسی گرفته و از مستقبل هولناک او، هوشدار داده و پیش‌گویی می‌کند که آینده خوبی در انتظار نیست؛ همچنان این نوشته مبین رویدادهای مهمی است که تاریخ‌نگاران، چه موافق و چه مخالف، بدان مهر صحت گذاشته و می‌گذارند. این نوشته، در کل از سه بخش مهم و اساسی با زیرمجموعه‌های کوچک دیگر تشکیل شده است و به گونه مستند و روایت، به بررسی و تحلیل گرفته شده است.

علاوه بر این روایت تاریخی، رهبر شهید روایت مهم دیگری را نیز پیش از این در سال ۱۳۵۴ هـ ش، تحت عنوان «۲۶ سرطان و سیمای زعامت داود خان» نوشتند که در آن ابعاد مختلف کودتای سرطان داود خان را بررسی کرده است و قبلاً از سوی جمعیت اسلامی افغانستان نشر شده است که متأسفانه «مرکز تدوین آثار رهبر شهید» با تلاش زیاد آن را به دست نیاورده است که در

حقیقت نوشته حاضر، در ادامه و مکمل همان موضوع مهم تاریخی است که اگر لطف الهی شامل حال بود و مرکز تدوین موفق به دریافت آن شد، در آینده إن شاء الله، آن را نیز بازنشر و چاپ خواهد کرد تا نسل های بعدی بیشتر مسایل و رخداد های تاریخی سرزمین خود و برخوردهای دوچهره و دوگونه زمامداران شان را بدانند و بر عملکردهای شان به داوری و قضاوت بنشینند.

به هر حال، کار ما در این اثر این است: در گام نخست، پس از پیاده کردن متن نبشته، مطابق به دستورالعمل تدوینی خویش دست به ویرایش می زنیم و از آن بعد در کنار مُعرّفی نام ها، اماکن، گروه ها، اصطلاحات، مستندسازی روایات و نقل قول ها و توضیح نکات قابل توضیح، تدوین رویکردها، نمایه ای از: اشخاص، اماکن، احزاب، گروه ها و مفاهیم وارده در کتاب را در پای آن ردیف می کنیم.

پیش از بستن این سطور، بر خود لازم می دانم که از برادر گرامی ام دکتور خیرالله خیرخواه، همکارم در مرکز تدوین، ادای شکر کنم.

در پایان مسألت ما از الله بزرگ، این است که به بانی این مرکز، محترم صلاح الدین ربّانی، رئیس جمعیت اسلامی افغانستان و وزیر پیشین امور خارجه دولت جمهوری اسلامی افغانستان، پاداش نیک دهد که بنای این کار نیک را پی افکندند.

در پایان، چنانکه همیشه گفتیم، باز می گوئیم: امید ما از خدای تعالی این است که این روایت تاریخی بتواند؛ چون گذشته ها در بیدارگری و هدایتگری نسل

امروز و فردای افغانستان، مُمد واقع شود، وَمَا ذَلِكَ عَلَى
اللّٰهِ بِعَزِيزٍ.

فضلی آماج

رئیس مرکز تدوین آثار رهبر شهید

مقدمه

به نام خداوند دانا و دادگر

آنجا که مردم، رسالت آسمانی خود؛ مبارزه در راه
برچیدن بساط ظلم و استبداد را فراموش کنند، از نعمت
حرّیت و آزادی محروم می‌شوند؛

در اینجا است که دروازه‌های زندان به روی‌شان باز
می‌شود، شلاق ستمگران، بی‌رحمانه بر فرق‌شان
فرو می‌بارد، ظلم و بیداد، جای عدل و انصاف را
می‌گیرد، ذلت و محرومیت، به سراغ آنان می‌رسد و
سرانجام چون ملّت‌های ذلیل و بدنام، عنوان عبرت
تاریخ را می‌گیرند و ملّت‌های آزاد و نسل‌های بعدی
بر آنان نفرین می‌فرستند.

قبولی زنجیر و زندان، به‌خاطر عدل و آزادی و در
راه سرنگون‌ساختن کنگره‌های ظلم و استبداد، ذلت و
محرومیت نیست؛ بلکه کمال ذلت یک ملّت در آن
است که روحیهٔ آزادی و مقاومت در برابر بی‌عدالتی و
استبداد را از دست دهد؛

آری، سلول‌های زندان دلیل ذلت نیست؛ چه

بسا که افراد و ملّت‌ها با پذیرش شکنجه‌ها، در سلول‌های هولناک زندان به اوج عظمت می‌رسند و یا از فراز چوبه‌های دار، درس آزادی می‌دهند و راه عظمت و شکوهمندی را برای دیگران باز می‌کنند.

در فرهنگ انقلابی و زندگی‌ساز اسلام، ترک جهاد و مبارزه، عامل ذلت و محرومیت شناخته شده است. نخستین یار همسنگر ارجمند پیامبر گرامی Y ابوبکر صدیق رضی الله عنه^۱ ضمن فرمایش‌های ارزنده خود فرموده است:

«هیچ ملّتی جهاد و مبارزه را ترک نگفته است؛ مگر آنکه ذلت و محرومیت به سراغش رسیده است.»^۲

قرآن کریم طی هدایات جاویدان خویش، آنان را که در برابر استبداد مقاومت نکرده و تسلیم ظلم می‌شوند، مورد نکوهش قرار داده و این ستم‌کشان بی‌روح و حرکت را شریک ظلم و ستمگر می‌خواند، آنجا که می‌فرماید:

«آنان را که فرشتگان قبض روح می‌کنند، در آن

۱. نامش عبدالله بن عثمان ابوقحافه، ملقب به عتیق و صدیق است. دو سال و چند ماه از رسول‌الله کوچک‌تر بود. قبل از بعثت دوست پیامبر Y بود. وقتی که خداوند حضرت Y را با مقام نبوت گرامی داشت، نخستین مردی بود که دعوت رسول‌الله را لبیک گفت. یگانه یار و رفیق غار با آن حضرت Y در هجرت به مدینه منوره و همچنان پدر همسر آن حضرت - ام‌المؤمنین عایشه U می‌باشد. بعد از رحلت رسول‌الله Y در سال دهم هجری به مقام خلافت برگزیده شد و بعد از دو سال و سه ماه خلافت، به عمر شصت و سه سالگی به رحمت حق پیوست و در کنار مرقد مطهر رسول گرامی Y در حجرة ام‌المؤمنین عایشه U به خاک سپرده شد. نگاه: ستارگان هدایت، از دکتر مصطفی سباعی: ص: ۱۱۵، مترجم: امیر صادق تبریزی، نوبت چاپ: دوم، ۱۳۹۰ هـ.ش، ناشر: انتشارات گُردستان و خلفای راشدین از خلافت تا شهادت، از صلاح عبدالفتاح الخالدی، ترجمه: عبدالعزیز سلیمی، نوبت چاپ: دوم، ۱۳۸۲ هـ.ش، چاپخانه: مهارت، ناشر: نشر احسان، تهران، ایران. «مرکز تدوین»

۲. این سخن ابوبکر صدیق در واقع روایتی از آن سخن رسول اکرم که که فرموده است: «ما ترک قوم الجهاد إلا ذلوا» نگاه کن: کنز العمال. «مرکز تدوین»

حال که ایشان بر خود ستمگر بودند، فرشتگان از آنان سوال می‌کنند: شما در چه حال قرار داشتید؟ جواب دهند: بر روی زمین وامانده و ناتوان بودیم، فرشتگان در جواب می‌گویند: مگر زمین خدا فراخ نبود تا در آن مهاجرت می‌کردید؟^۱

یعنی چیز دیگری اگر از دست‌تان ساخته نبود، کم‌ازکم از کشور ستمگران چرا بیرون نرفتید؟ قیام در برابر جباران و ستمگران، مقاومت در مقابل ظلم و بی‌عدالتی، اولین درس مکتب اسلام و از خواص عمدهٔ ملت‌های آزاد و آزادی‌خواه است.

ملت پرشورش و آزادی‌خواه ما، طی ادوار تاریخ پرافتخار خود، با جباران سرکش که می‌خواستند روحیهٔ آزادی‌خواهی این ملت را از بین برند و آن را محکوم و اسیر سازند، پنجه نرم کرده‌است.

در گذشته‌های پرافتخار، گذشتگان پر مجد و جلال ما به ذلت تن در ندادند، آقایی و باداری خائنین سرکش را نپذیرفتند و در تاریخ معاصر یک‌بار دیگر همین‌اکنون ملت غیور ما در برابر امتحان تاریخ قرار دارد.

یک‌تن از دیوانگان، یکی از خاینان و وطن‌فروشان معروف و یک دشمن قدیمی فرهنگ و تاریخ افغانستان،

۱. متن آیت مبارکه این است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾ النساء / ۹۷. «مرکز تدوین»

به کمک «صهیونیسم»^۱ و «کمونیسم»^۲ بین‌المللی بر اوضاع مسلط گشته و با نظام طاغوتی خود، لکه ننگ را در تاریخ کشور به جا گذاشته است.

اگرچه این پدیده ننگین، لکه عار و ننگ در تاریخ ملت ماست؛ اما خوشبختانه که مردم پرشور و غیرتمند ما مسئولیت تاریخی خود را فراموش نکرده و روح مقاومت را از دست نداده‌اند و چنانکه جهان همه خبر دارند، گروهی از فرزندان فداکار این وطن - که دل‌شان به فروغ ایمان روشن و قلب‌شان از عشق وطن سرشار و مالا مال است - سر از اولین روزهای وقوع این فاجعه

۱. صهیونیسم (Zionism): یک حرکت سیاسی و مذهبی متعصب و افراطی بوده که هدفش برپا کردن دولت یهود در سرزمین فلسطین می‌باشد، دولتی که توسط آن بالای تمام جهان فرمانروایی کند. این اسم را از (جَبَل صهیون) کوهی که در قدس واقع است، گرفته‌اند، کوهی که گروه صهیونیه می‌خواهند بالای آن هیکل حضرت سلیمان Z را درست کنند و دولتی به خود برپا کنند که قدس پایتخت آن باشد. حرکت صهیونیه به شخص نمساوی (هرتزل) یهودی مرتبط می‌باشد، شخصی که داعی اول به طرف فکر صهیونی شمرده شده و حرکت صهیونیسم در تمام جهان بر آرا و افکار وی بنا نهاده شده است. گروه‌های تندرو و متعصب یهودیان صهیونیست، خواهان به وجود آوردن یک کشور یهودی از راه قهر و سلطه نظامی اند که به اصطلاح «از نیل تا فرات» ادامه داشته باشد. جهت معلومات مزید، در مورد اصطلاح «صهیونیسم» به کتاب: دانشنامه سیاسی، از داریوش آشوری، ص: ۲۲۷، مراجعه کنید. «مرکز تدوین»

۲. کمونیسم و یا کمونیسم: این اصطلاح از ریشه لاتینی «کمونس» به معنای اشتراکی گرفته شده است. اصطلاح کومون یا جامعه اشتراکی نخستین بار در فرانسه، در سال ۱۸۳۹ م، به کار رفت. به قول طرفداران این اصطلاح، گویی این نظام بدون طبقه است. کمونیسم شخصیت انسان را تابع اقتصاد و در چوکات محدودیت‌ها و قیودات خفقان‌آور اجتماعی محبوس می‌کند. همچنان کمونیسم به انسان، حقوق و آزادی‌هایش از دریچه اقتصاد نگریسته، «مالکیت اشتراکی» را نخستین پایه مستحکم نظام خود قرار داده و آزادی‌هایی را که حق طبیعی انسان‌هاست محدود و فشرده می‌سازد. خوش‌بینانه‌ترین قضاوت در مورد منطق کمونیسم این باشد که گرایش به این مکتب، به معنای تباهی گوهر انسانیت، اغفال و اغرای انسان از توجه به کنه حالت خودش، خود فراموشی و پایمال کردن شخصیت انسان در حد کالای کم از بازار است و - نیز - به معنای تنزل ارزش خون و آبروی آدمیت است. نگاه: دانشنامه سیاسی، از: داریوش آشوری، ص ۲۶۱ - ۲۶۳ و مقاله «ارزش خون در کمونیسم و اسلام» نوشته شهید محمدکاظم شارق، میثاق خون، ص: ۴۴، شماره سیزدهم، سال ۱۳۶۰ ه.ش. «مرکز تدوین»

ننگین، آرام ننشسته و اجازه نداده‌اند که این سفاک خون‌آشام و دار و دسته دزد و رهنش، خواب آرام کنند. قیام مردانه این شوریدگان دلیر در پنجشیر،^۱ لغمان،^۲ کنرها^۳ و پکتیا،^۴ علیه نظام طاغوتی و بربری سردار سفاک، صفحه زرین دیگری است که بر تاریخ مبارزات قهرمانانه ملت ما افزوده شد. آن شهیدان شجاعی که دره‌های پنجشیر را به خون پاک خود گلگون ساختند، این حقیقت را به جهانیان عملاً ثابت کردند که پیروان قرآن در سرزمین سلحشور افغان شکست‌ناپذیرند، آنان هرگز درفش مبارزه را بر زمین نمی‌گذارند تا آنکه بساط ظلم برچیده نگردد و دشمنان خدا نابود نگردند.

۱. پنجشیر: یکی از استان‌های افغانستان است که در سال ۱۳۸۳ ه.ش، مطابق فرمان رئیس‌جمهور از بدنه استان پروان جدا و به‌حیث یک استان مستقل در زون مرکز عرض وجود کرد. این استان به فاصله ۱۲۰ کیلومتری به‌طرف شمال‌شرق کابل در میان دو شاخه جنوبی هندوکش، از شمال‌شرق به جنوب‌غرب موازی به امتداد هندوکش واقع است و دارای هشت واحد اداری است، مساحت مجموعی آن ۳/۶۱۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن به اساس آمار ارایه‌شده از طرف ادارات ملل متحد ۴۴۷۸۳۷ نفر تخمین شده است. نگاه: پروفایل ولایت پنجشیر (pdf)، ص: ۱۰-۱۱، ناشر: ریاست اقتصاد ولایت پنجشیر، حمل ۱۳۹۸ ه.ش. «مرکز تدوین»

۲. لغمان: یکی از ولایات شرقی افغانستان است. مساحت آن ۳۹۷۷،۹ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۹۱ ه.ش، ۴۲۴،۱ هزار نفر محاسبه‌شده است، مرکز آن شهر مهترلام می‌باشد. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۱۲۱۷ - ۱۲۱۸. «مرکز تدوین»

۳. کنر یا کنرها: یکی از ولایت‌های شرقی افغانستان است. مساحت آن ۴۹۲۵،۹ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۹۱ ه.ش، حدود ۴۲۸،۸ نفر تخمین شده است. مرکز آن شهر «اسعدآباد» است، علامه سید جمال‌الدین افغانی یکی از شخصیت‌های نامدار و معروف کشور، دانشمند و بیدارگر شرق، از این استان / ولایت می‌باشد. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۱۲۲۶. «مرکز تدوین»

۴. پکتیا: از ولایات جنوب شرقی افغانستان است. مساحت آن ۵۵۸۳،۲ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۹۱ ه.ش، ۵۲۵ نفر تخمین شده است. مرکز آن شهر گردیز است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۱۱۴۲ - ۱۱۴۷. «مرکز تدوین»

اگرچه داود خان^۱ و ماهیت ننگین نظام او بر همه روشن است؛ اما جهت مزید معلومات، این حقایق را غرض مزید اطلاع هم‌وطنان دلیر و فداکار خود، تقدیم می‌داریم.

خدا کند با آشنایی به آن، شعله مبارزه علیه این نظام فاسد در ضمیر فرد فرد هم‌میهنان ما، تندتر و تیزتر گردد.

کابل، ۲۵ حمل ۱۳۵۵ [ه‌ش]

۱. سردار داود خان پسر سردار محمد عزیزخان فرزند محمد یوسف خان پسر سردار یحیی خان فرزند سلطان محمد خان طلایی و اولاد سردار پابنده محمد خان محمدزایی می‌باشد که در ۲۷ سرطان سال ۱۲۸۸ ه‌ش، در شهر کابل به دنیا آمد. در دوران دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ م، وی در پست‌های گوناگونی ایفای وظیفه کرد. در سال‌های ۱۹۴۹ - ۱۹۵۰ م، وزیر دفاع و از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۳ م، به‌عنوان نخست‌وزیر کشور بود. ظاهرشاه، پادشاه افغانستان، او را در سال ۱۹۶۳ م، برکنار کرد. در ۲۶ سرطان ۱۳۵۳ ه‌ش، با تَوَسُّل به کودتای نظامی سرد، ظاهرشاه پسر کاکایش را از سلطنت خلع کرد، نظام جمهوری را بنا نهاد، وی از ابتدا دارای افکار چپی و یک ناسیونالیست بود. از این‌رو با حزب دموکراتیک، به‌ویژه شاخه پرچم، روابط نزدیکی داشت و از آن‌ها در پیروزی کودتا استفاده کرد. پس از پیروزی برای کادرهای این جناح، پست‌های مهم و کلیدی داده شد و سرانجام پس از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ ه‌ش، حزب دموکراتیک خلق، داود را با ۳۹ نفر از اعضای فامیلش به قتل رسانیدند. «مرکز تدوین»

سردار داود خان در گذشته ننگین

سردار داود خان یک‌تن از فرزندان نازدانه خاندان محمدزایی^۱ است که در خانواده سلطنتی به دنیا آمد و چون همه اشراف‌زادگان خاندانی در میان ناز و نعمت بزرگ شد و به رسم کاخ‌نشینان از همان آوان کودکی به عربده‌گویی و بدمستی می‌پرداخت، فضای خیالی پرناز و نعمت کاخ سلطنتی و اختلال دماغی مادرزادی، گراف بدمستی او را بالا برد و چون آخرین شاهان سلسله یفتلی‌ها^۲ در هند - که از کمال بدمستی دست

۱. برای آشنایی و مطالعه بیشتر در مورد شجره‌نامه یا نسب‌نامه خانواده محمدزایی، به صفحات: ۳۰۲ تا ۳۰۴، تاریخ طبقات سلاطین - که از مقاله «لنگوورث دیمز / Longworth Dames» (فهرست و نسب درانی‌ها)، در مجله مسکوکات، جلد سوم، جزء هشتم، صفحات ۳۲۵ - ۳۶۳ سال ۱۸۸۸ م، اقتباس شده است - مراجعه کنید. «مرکز تدوین»

۲. هیاطله یا یفتلی‌ها: به نام‌های متعددی در تاریخ خوانده شده‌اند و اصلاً جزء قبایل سیتی بوده و مثل کوشانی‌ها از جبهه شمال مشرق در حوزه سیحون سرازیر شده و تا اواخر قرن سوم، اراضی شمال جیحون را اشغال کردند. این‌ها در اوایل قرن پنجم میلادی، جیحون را عبور و وارد شمال افغانستان گردیدند و برای بار اول در ۴۲۵ میلادی، در تخارستان به تشکیل دولت پرداختند. از قبایل یفتلی، مشهورتر از همه، «زاولی» است که در ایالت غزنین ساکن شده و روی آن علاقه‌ها به نام ایشان «زابل و زابلستان» موسوم گردید. مقتدرترین پادشاه یفتلی «اخشنور» است که در حدود ۴۶۰ میلادی جلوس کرد. گویند: یفتلی‌ها، مردمان جنگجو و محارب بوده‌اند. بعد از اخشنور، پادشاه مشهور هپتالی / یفتلی توره مانا گفته شده است که در کتیبه‌های

به دیوانگی زده و اوقات خود را به لُول دادن پیل از فراز قلعه‌های بلند می‌گذشتانند و سرانجام توّسط آنان، تسلّط و حکمرانی یفتلی‌ها بر هند خاتمه یافت - سردار داود هم - که سلسله خاندان محمّدزایی به دست او خاتمه می‌یابد - دیوانگی‌ها می‌کرد.

داستان‌های دیوانگی و اختلال عقلی او فراوان است؛ از جمله اینکه در وقت وزارت حریه خود، ستون‌ها را دندان می‌گرفت، موترها را محکوم به حبس می‌کرد، او کلاه خود را محاکمه نمود، برق ریشخور^۱ را حبس دوام داد، محافظ خود را با لگد زده و کشت، این‌ها و صدها وقایع دیگری از این قبیل، نقاط بارزی از تاریخ زندگی او را تشکیل می‌دهد، همان بود که به نام «سردار دیوانه» مشهور شد.

کوردماغی و بی‌استعدادی، شاخص برجسته زندگی او را تشکیل می‌دهد. مکتب خاندانی خود، لیسه

هندی که یکی آن «سکهر» و دیگر «درکور» است، نام خود را «مهاراجه توره مانه شاه جاوِلا»؛ یعنی پادشاه بزرگ تورمان شاه زاول نوشته است و وی در حدود ۵۰۰ میلادی زندگی داشت. بعد از وفات وی، مهره کوله پسرش بر تخت شاهنشاهی هپتالی زابلی نشست و در کتیبه گوالیار هند در سال ۱۵ سلطنت او، (حدود ۵۱۷ م) درج است. سلطنت مهره کوله تا حدود ۵۴۲ م با جنگ‌ها و خون‌ریزی‌های هولناک دوام داشت و در آثار بوداییان هندی، چینی و راهب بیزانسی که هند شمالی را در آن عصر دیده، از این دهشت و خون‌ریزی‌های وی ذکر رفته است که سرانجام شاهزادگان هندی مثل بهانه گوپتا با دیگران متفق گردیده و در پی سرنگونی حکومت مهره کوله یا یفتلی‌ها در هند گردیدند و آنان را به اثر جنگ شدیدی از آنجا راندند. اکنون جغرافیای بزرگی در بدخشان که به نام یفتل‌ها، یاد می‌شود، نظر به روایات و مستندهای تاریخی، منسوب به این سلسله و خاندان می‌باشند. جهت آگاهی بیشتر رجوع کنید: غبار، میر غلام محمّد، افغانستان در مسیر تاریخ (ج ۱-۲)، ص: ۶۶ - ۶۷، چاپ ۱۳۹۴، انتشارات بین‌المللی سرور سعادت و عابد، سر محقق عبدالباری، یفتلی‌ها (هیاطله یا هون‌های سفید) مقاله تحقیقی، ص: ۲۱ - ۳۵، تحقیقات کوشانی، مجله علمی - تحقیقی، شماره مسلسل ۲۵، دور ۴، سال ۱۳۹۸ ه.ش، ناشر: ریاست اطلاعات و ارتباط عامه اکادمی علوم افغانستان. «مرکز تدوین»

۱. ریشخور: منطقه‌ای است در قسمت جنوب غرب شهر کابل. «مرکز تدوین»

استقلال^۱ را به پایان رسانیده نتوانست و با لک‌ها دالر از خون مردم گرسنه و محروم جامعه‌ی ما، راه پاریس^۲ را در پیش گرفت و سالیان چند در آنجا به عیش و عشرت گذشتاند و سپس بی‌آنکه کدام سند تحصیلی به‌دست بیاورد، با ارمغان شوم و با تاریخ و فرهنگی که از سوغات‌های شوم استعمار^۳ است، به کشور باز گشت و در وزارت خارجه موظف شد و باز بدون سابقه‌ی عسکری فقط به‌محض شامل شدن در کورسی، به رتبه‌ی برید جنرالی^۴ ارتقا کرد و به‌هیئت رئیس تنظیمه، وزیر

۱. لیسه استقلال کابل: یکی از مکتب‌های پسرانه‌ی فرانسوی در شهر کابل می‌باشد که برای نخستین‌بار به‌نام مکتب امانیه در سال ۱۹۲۲ م، در زمان امان الله ساخته شد. نام این مکتب در سال ۱۹۳۲ م، به لیسه استقلال تبدیل شد. «مرکز تدوین»

۲. پاریس: پایتخت کشور فرانسه در قاره‌ی اروپاست که در شمال این کشور قرار دارد و رود سن از میانه‌ی آن می‌گذرد. این شهر با جمعیتی بالغ بر ۱۲ میلیون نفر، یکی از پرجمعیت‌ترین کلان‌شهرهای اروپاست و نیز با قدمتی حدود دو هزار سال، پاریس پایتخت فرانسه‌ی امروزه به یکی از مراکز بازرگانی و فرهنگی دنیا تبدیل شده‌است و مقر بسیاری از سازمان‌های جهانی مانند یونسکو در این شهر هست و شرکت‌های بزرگ بازرگانی در این شهر نمایندگی دارند و همچنین پاریس از محبوب‌ترین مقصد توریست‌ها در سراسر جهان است و سالانه حدود ۳۰ میلیون توریست از آن بازدید می‌کنند. نگاه: وب‌سایت معراج گشت آسمان، <https://www.mgairan.com/web/articles/view/382>، معرفی شهر پاریس، تاریخ دریافت: ساعت: ۰۲:۲۸ بعد از ظهر، سه‌شنبه، ۱۲ دلو ۱۴۰۰ خورشیدی. «مرکز تدوین»

۳. استعمار یا استعمارگری: در لغت به معنای آبادانی خواستن است؛ اما معنای دیگرش که امروزه به کار می‌رود، تسلط سیاسی، نظامی، اقتصادی و یا فرهنگی ملت قدرتمند بر یک قوم یا ملت ضعیف است. مفهوم استعمار امروز با مفهوم امپریالیزم پیوستگی کامل یافته و استعمار اساساً عمل قدرت امپریالیستی شناخته می‌شود و ناگفته نماند که قرآن کریم دو خاصیت را برای آن برمی‌شمارد: ۱- «إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا» (هنگامی که وارد منطقه‌ی آبادی می‌شوند، آن را به تباهی و ویرانی می‌کشاند). ۲- «وَجَعَلُوا أَعْرَظَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً» (و عزیزان اهل آنجا را خوار و پست می‌گردانند). اما تاریخ مفهوم جدید آن، از قرن‌های شانزدهم و هفدهم آغاز می‌شود. درکل، تاریخ استعمار را از دوره‌ی باستان تاکنون می‌توان به چهار دوره بخش کرد: ۱- دوره‌ی باستان؛ ۲- دوره‌ی استعمار جهانی؛ ۳- قرن‌های نوزدهم و بیستم؛ ۴- دوره‌ی استعمار نو. نگاه: نگرش‌هایی در اسلام، از امام شهید حسن البنا و دانشنامه‌ی سیاسی، ص: ۲۶ - ۳۰. «مرکز تدوین»

۴. برید جنرالی: یکی از درجه‌های رتبه‌ی نظامی به زبان پشتو در ارتش افغانستان است که پس از دگروالی (سرهنگی) نظامیان به این رتبه ارتقا می‌یابد و برابر فارسی آن،

حرب، سفیر فوق العاده دربار سلطنتی و صدراعظم مقرر شد.

او در همه دوره‌های کارمندی خود، جشن‌های آدم‌کشی را برپا کرده و از هر طبقه مردم و به اشکال مختلف کشتار کرد، قوم صافی را با توپ و هواپیما به خاک و خون کشید، مردم قندهار^۱ را با تانک و ماشیندار مورد حمله قرار داد، قوم محروم و ستمدیده هزاره را علاوه بر انواع شکنجه و تعذیب، ترور کرد. چنانکه علی اصغر شعاع^۲ را در زندان مسموم

سرتیپ می‌باشد. «مرکز تدوین»

۱. قندهار / کندهار: یکی از ولایات افغانستان است که در جنوب افغانستان موقعیت دارد. مساحت آن ۵۴۸۴۴٫۵ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۹۱ هـ ش، حدود ۱۱۵۱٫۱ نفر محاسبه شده است و مرکز آن شهر قندهار / کندهار است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۹۹۱. «مرکز تدوین»

۲. میرعلی اصغر شعاع فرزند میرعلی اکبر آقا در سال ۱۲۸۸ هـ ش، در یک خانواده روحانی و دانشمند ساکن محله چنداوول شهر کابل دیده به جهان گشود و در عقرب سال ۱۳۳۶ هـ ش، به اثر فشار و شکنجه نظام وقت درگذشت. شعاع مقدمات علوم دینی، منطق و معارف اسلامی را نزد پدر فرا گرفت و سپس شامل دارالمعلمین کابل شده و مدت نه سال در این کانون علمی، مصروف فراگیری فرهنگ و دانش گردید و همزمان به آموزش زبان‌های عربی و انگلیسی نیز همت گماشت؛ چنانکه در هر دو زبان تسلط کامل یافت. شعاع بعد از ختم تحصیلات مسلکی، به صفت معلم در مکاتب مختلف شهر کابل، از جمله لیسه غازی ایفای خدمت کرد. وی در کنار وظیفه رسمی دولتی به تحقیق، تألیف و ترجمه مقالات علمی - ادبی نیز می‌پرداخت و آن‌ها را در جراید، روزنامه‌ها و مجله‌های کشور به چاپ می‌رساند. شعاع در بخش مدیریت مسئولی روزنامه اصلاح کار کرد و چندی بعد به مقام معاونیت مؤسسه نشراتی اصلاح نایل آمد و در سال ۱۳۲۷ هـ ش، به صفت رئیس «دایرة المعارف آریانا» مقرر شد و جلد اول «دایرة المعارف آریانا» تحت نظر و رهنمایی‌های او از چاپ برآمد و به پاس این خدمت شایسته، نشان درجه اول مطبوعات از سوی دولت برایش اهدا گردید. شعاع در این زمان علاوه بر مصروفیت‌های اداری، از پژوهش و نگارش آثار نیز فرو گذاشت نکرد و ترجمه کتاب «الخراج» امام ابویوسف از عربی به فارسی، یکی از کارهای اوست. او در دوره هشتم شورای ملی به حیث نماینده مردم کابل برگزیده شد و با بیرون رفتن سردار شاه محمود از صدارت و قدرت یافتن داود خان، عبدالملک خان عبدالرحیمزی به مقام وزارت مالیه رسید. میرعلی اصغر شعاع به حیث همکار نزد او (مدیر قلم مخصوص) در آن وزارت شامل وظیفه گردید؛ اما این همکاری دیری دوام نکرد تا اینکه در ۱۷ سرطان سال ۱۳۳۵ هـ ش، عبدالملک خان عبدالرحیمزی،

ساخت، اسماعیل بلخی^۱ را در شفاخانه کشت، پروفسور نوروز علی در خانه‌اش ترور گردید، عدّه زیادی از تاجیک‌ها و ترکمن‌ها در آن عهد تبعید گشتند و در عهد وزارت حربیه خود تصمیم گرفت که به تهمت خواجه نعیم، چندانول^۲ را با همه ساکنانش بمبارد کند و نسل مردم هزاره را یک‌سره نابود نماید؛ اما موفق نشد.

در عهد ننگین صدارت خود، شبکه‌های مختلف جاسوسی را فعال ساخت، جواسیس دولت، علمای

وزیر مالیه و اقتصاد، به بهانه اینکه گویا کودتایی را به کمک یک دولت خارجی بر ضد حکومت شاهی افغانستان سازمان داده، همراه با میرعلی اصغر شعاع و چند تن دیگر زندانی شدند و قبل از اینکه زندانی شود، از مریضی دیابت (شکر) رنج می‌برد، از گرفتن دواى مریضی خویش محروم شد. از این‌رو، پس از چندی حکومت جنازه‌اش را برای پدرش سپرد، اعضای ضبط احوالات به خانواده‌اش دستور داده بودند که او را باید از طرف شب به خاک بسپارند و فاتحه‌گیری ممنوع است. برای آگاهی بیشتر نگاه شود: وب‌سایت ولایت لوگر، منتشر شده در پنج‌شنبه، ۲۱ سرطان ۱۳۹۷ هـ.ش، ۱۱:۲۳، مهرین - نصیر، کودتاها در تاریخ افغانستان، دمی با تاریخ، جون، ۲۰۱۲ م، <http://logar.nu/index.php/8-2017-04-20-08-53-12/716-1288-1336> «مرکز تدوین»

۱. سید اسماعیل بلخی فرزند سید محمد، در سال ۱۲۹۹ هـ.ش، در روستای سرپل بلخاب استان سرپل به دنیا آمد و در روز یکشنبه، ۲۳ سرطان ۱۳۴۷ هـ.ش، در شفاخانه علی‌آباد شهر کابل به گونه مرموز پس از مسمومیت درگذشت و در دامنه کوه افشار کابل به خاک سپرده شد. علامه بلخی، شاعر، فعال سیاسی و از روحانیون معاصر افغانستان، اندیشمند بیدار و از پیشگامان نهضت اسلامی به شمار می‌رود. برای مطالعه بیشتر در مورد زندگی، افکار و اندیشه‌ها، کارکردهای سیاسی، فرهنگی و دینی علامه بلخی، اشعار و چگونگی شهادت او، به کتاب: دیوان علامه شهید سید اسماعیل بلخی، مقدمه، تصحیح و ویرایش از دکتر سیده شکوفه اکبرزاده، ص: ۲-۲۹، چاپ اول، ۱۳۹۷ هـ.ش، کابل، انتشارات بنیاد اندیشه، مراجعه شود. «مرکز تدوین»

۲. چندانول: منطقه‌ای در غرب شهر کابل و از مهم‌ترین محلات سکونت قزلباشان و هزاره‌های کابل می‌باشد که بخش عمده شهر کابل را شامل می‌شود. چندانول کلمه ترکی است و نام قطعه‌ای از سربازان است که در عقب دسته‌های فوج‌ها در اوقات لشکرکشی روان می‌شوند. نگاه کن: محله چندانول (مقاله pdf)، از دکتر سیدعبدالله کاظم، ۱۴/۷/۲۰۱۴ م، ساعت: ۰۲:۴۸ بعد از ظهر، شنبه، ۱۶ دلو ۱۴۰۰ هـ.ش. http://www.afghan-dic.com:8080/DocLib2/kazem_sa_

chendawul.pdf «مرکز تدوین»

مذهبی را در مساجدشان آرام نمی گذاشتند، در همان وقت گروه زیادی از امامان از مساجدشان اخراج و عده دیگری زندانی شدند و با اعلان رفع حجاب از راه زور، دشمنی خود را با احکام قرآن عملاً آشکارا ساخت. برای عملی ساختن نقشه‌های استعمار نوین، احزاب مزدور چاکر سوسیال امپریالیزم^۱ را پایه‌گذاری کرد و از بودجه دولت برای پیشرفت و تقویت آن‌ها مبالغ هنگفتی را تخصیص داد.

او دروازه‌های افغانستان را در ساحه‌های نظامی، اقتصادی و فرهنگی به روی استعمار روسی باز کرد. قراردادهای خاینانه صفحات شمال - شاهراه سالنگ^۲ و یک تعداد از پروژه‌های بی ثمر دیگری را که همگی بار سنگینی را بر دوش ناتوان جامعه ما تحمیل کرده‌اند، همه در زمان صدارت او با روس‌ها بسته شدند و همه می‌دانیم که این پروژه‌ها هیچ هدف اقتصادی جز

۱. سوسیال امپریالیزم: یک اصطلاح سیاسی است و سوسیال امپریالیزم ایدئولوژی سیاسی احزاب یا ملت‌هایی است که به گفته لنین: «در کلام سوسیالیست، در عمل امپریالیست» اند و یا هم اصطلاح «سوسیال امپریالیزم» یک عبارت مارکسیستی است که معمولاً به شکلی تحقیرآمیز استفاده می‌شود. این عبارت برای نخستین بار در محافل مارکسیستی در اوایل قرن بیستم در مورد موضع بین‌الملل دوم در قبال جنگ جهانی اول و به‌ویژه در مورد حزب سوسیال دموکرات آلمان استفاده شد و اصطلاح امپریالیزم در لغت، از ریشه امپراتوری مشتق شده است؛ یعنی تشکیل امپراتوری دادن و در معنای وسیع آن، هرنوع گسترش، توسعه ارضی و سلطه قوی بر ضعیف را در بر می‌گیرد. این نوع امپریالیزم در طول تاریخ همیشه وجود داشته است، مانند امپراتوری‌های ایران، روم، ترکیه عثمانی و... در اصطلاح، امپریالیزم یک مفهوم جدیدتر را - نیز - شامل می‌شود و آن گسترش‌گرایی کشورهای پیشرفته اروپایی در بقیه جهان در ۵۰۰ سال اخیر است. جهت آگاهی بیشتر نگاه شود: دانشنامه سیاسی از داریوش آشوری و Avalone Paul W. The Rise of Social Imperialism in the German Socialist Party, 1890-1914 University of Wisconsin 1975. «مرکز تدوین»

۲. شاهراه سالنگ کابل را با نه ولایت در شمال و شمال شرق کشور وصل می‌کند. «مرکز تدوین»

وسیله‌ای برای تعمیق نفوذ روسیه شوروی و ورشکست کامل اقتصادی افغانستان در بر ندارد.

خریدن اسلحه فرسوده و کهنه، قرارداد خرید سایر اموال غیراقتصادی روسی، همگی روی همین هدف صورت گرفته است تا کشور ما در زنجیر قروض روسی اسیر ماند و استقلال اقتصادی و سیاسی خود را از دست بدهد.

به خاطر راه یافتن امپراتوری شوروی به بحر هند،^۱ موضوع پشتونستان را داغ ساخت و چندین بار زمینه پیاده شدن عساکر روسیه را در کشور ما آماده ساخت؛ اما شرایط ملی و بین‌المللی مانع این کار شد.

و البته همه می‌دانیم که سردار داود خان ابداً به سرنوشت مردم پشتون و بلوچ - که در ماورای خط دیورند^۲ به سر می‌برند - علاقه و دلچسپی ندارد. او که

۱. اقیانوس هند / بحر هند: سوّمین اقیانوس بزرگ جهان است که ۲۰ درصد از سطح کره زمین را پوشانده است و از گرم‌ترین حوزه اقیانوسی جهان به شمار می‌رود. از جمله مهم‌ترین تأثیرات این اقیانوس بادهای موسمی است که در سرتاسر جنوب شبه قاره هند و آسیای جنوب شرقی باعث ایجاد باران‌های فصلی و همچنین جریان‌های آب گرم استوایی می‌شود. این اقیانوس از شمال به آسیا، از غرب به افریقا، از شرق به استرالیا و از جنوب به اقیانوس منجمد جنوبی منتهی می‌شود. ۳۷ کشور در کرانه و ۱۷ کشور از آب‌راه‌های کوچک‌تر به این اقیانوس راه دارند. راه ورود به هفت دریای مهم جهانی و چهار تنگه راهبردی جهان، یعنی تنگه هرمز، باب المندب، مالاکا و کانال سوئز از این اقیانوس می‌گذرد. اقیانوس هند، ناامن‌ترین اقیانوس جهان گزارش شده است که بیشتر این ناامنی در قالب دزدی دریایی در کرانه‌های دزدی دریایی در سومالی و تنگه مالاکا رخ می‌دهد. نگاه: احمدی نوح‌دانی و سیروس کاوندی کاتب، ابوالفضل، ژئوپلیتیک اقیانوس هند و سازمان همکاری کشورهای کناره آن با تأکید بر نقش خلیج فارس، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، دلو و حوت ۱۳۸۹، شماره ۲۸۱ و ۲۸۲.

«مرکز تدوین»

۲. برای آگاهی هرچه بیشتر در مورد خط دیورند و مسایل متعلق به آن، نگاه کن: «بررسی تاریخی خط دیورند، این دهلیز مرگ را به رسمیت بشناسید»، تألیف و نگارش: غلام‌محمد محمدی، چاپ دوم، اسد ۱۳۸۶ هـ ش و مقاله «امیر عبدالرحمن خان و خط دیورند» از احمد علی کهزاد و «سرمقاله روزنامه انیس» ۸ حمل ۱۳۳۰ هـ

دشمن سرسخت پشتون و بلوچ در داخل کشور است و با پشتون‌ها و بلوچ‌های داخل کشور چه فجایی نبود که مرتکب نشد، پس با پشتون‌ها و بلوچ‌های آن طرف دیورند چه خواهد کرد؟

و چنانکه همه شاهد این حقیقت می‌باشیم که سردار خاین فقط به‌خاطر دوام چند روزی کرسی ظلم و استبداد خود، مبارزات چندین سالانه پشتون‌ها و بلوچ‌ها را به لگد زده، قراردادهای سرّی خاینانه را با مقامات پاکستانی امضا می‌کند.

راستی اگر سردار داود خان خاین نباشد، پس در این شرایطی که هنوز خون مبارزین پشتون و بلوچ خشک نشده و همه زعمای «نیشنل عوامی»^۱ و «خدمتکار خدای»^۲ در زندان‌ها به‌سر می‌برند، داود

ش، شماره ۵۲، از نشرات ریاست مستقل مطبوعات. «مرکز تدوین»

۱. حزب عوامی (مردمی) ملی (نیشنل عوامی پارٹی): یک حزب سیاسی چپ‌گرای قومگرا در پاکستان است. این حزب بیشتر در بین پشتون‌های استان شمال غربی مرزی بلوچستان و مناطق عشایری، پنجاب غربی و نواحی شمال از شهرت برخوردار است. اسفندیار ولی خان رئیس کنونی این حزب است. در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰ اکتوبر سال ۲۰۰۲ م، یک‌درصد آرا را به‌دست آورد؛ اما هیچ کرسی‌ای را اشغال نکرد. حزب عوامی ملی در جون سال ۱۹۵۷ م، در شهر داکا (بنگلادش) تأسیس گردید. رئیس حزب مولانا بهاشانی و دبیرکل آن محمودالحق عثمانی بود. در سال ۱۹۵۷ م، حزب عوامی ملی به دو جناح حزب عوامی ملی (بهاشانی) و حزب عوامی ملی (ولی) و بعضی فواکسیون‌های کوچک مانند حزب مزدور کسان انشعاب کرد. در سال ۱۹۷۷ م، حکومت ذوالفقار علی بوتو برای تحت فشار قراردادن خان عبدالولی خان رهبر اپوزیسیون ملی وقت، حزب عوامی ملی را ممنوع اعلام کرد؛ بنابراین رهبری حزب ممنوعه نیشنل عوامی پارٹی، عوامی نیشنل پارٹی را تأسیس کرد. عوامی نیشنل پارٹی از جمله احزاب چپ است. مرکز اساسی فعالیت حزب، مناطق پشتون‌نشین در پاکستان است. نگاه: وب‌سایت http://pashtunistan.8m.net/AWAMI_NATIONAL_PARTY.htm، تاریخ دریافت مطلب: ۲۹ / ۰۱ / ۱۴۰۱ هـ.ش، ساعت: ۱۲:۳۰ ظهر. «مرکز تدوین»

۲. «خدمتکار خدای» که مخفف آن در انگلیسی «kk» معروف است، این جریان قومی، به نبرد آزادی خواهانه خشونت‌پرهیز در برابر فرمانروایی بریتانیا به‌دست پشتون‌های سرحدات شمال غربی کشور هند تعبیر می‌شود. همچنین به «سرخ‌پوش

خان در تفریحگاه‌های لاهور و مری، مشغول تفریح و هواخوری است.

این‌ها همه صفحات آلوده‌ای از خیانت‌ها و جنایات بزرگ و تاریخی سردار سفاک است که ملت افغان و مردم غیور پشتون و بلوچ هرگز آن را فراموش نخواهند کرد.

او در تمامی عهد صدارت خویش به‌عنوان یک عضو وفادار شبکه‌های جاسوسی «K.G.B»^۱ خدمات بزرگی برای روسیه شوروی در منطقه انجام داده‌است.

یا پیراهن قرمز» که در واقع بهسازی اجتماعی سازمان متمرکزسازی تحصیل و حذف جنگ‌های خونین که به‌عنوان انجمن اصلاح افغانیان شناخته شده، نامیده شده‌است. این جنبش به وسیله خان عبدالغفار خان با نام محلی پاچاخان یا پادشا خان پایه‌ریزی شده است. جنبش kk در اوج شکل‌گیری خود قریب به صد هزار عضو داشت و در ابتدا جنبش بر روی اصلاح اجتماعی به‌عنوان وسیله‌ای برای پیشرفت و بهبود وضعیت پشتون‌ها در برابر بریتانیا متمرکز شد. غفارخان چندین جنبش اصلاحی قبلی برای تشکیل خدمتکار خدا، تأسیس انجمن اصلاح افغان در ۱۹۲۱ م، سازمان کشاورزان، انجمن زمین‌داران در ۱۹۲۷ م، راه انداخت. تلاش برای گسترش آگاهی بیشتر درباره مسائل مربوط به پشتون‌ها توسط عبدالغفار خان در روزنامه پختون در می ۱۹۲۸ م، صورت گرفت. نهایتاً در نوامبر ۱۹۲۹ و تقریباً در سالگرد قتل عام بازار قصه خوانی، جنبش خدمتکار خدا شکل گرفت. برای معلومات بیشتر مراجعه کنید به: Baldauf, Scott The Khudai Khidmatgar Christian Science Monitor Khan, Abdul K. ۱۹۹۷ "The Khudai Kidmatgar (Servants of God)/Red Shirt Movement in the Northwest Frontier Province of British India, Ph.D. Diss., History. University of Hawaii. 1927-47. «مرکز تدوین»

۱. K.G.B: مخفف نام اداره اطلاعات و امنیت اتحاد جماهیر شوروی سابق است. نام کامل این اداره به زبان روسی این‌گونه است: «کمیته امنیت دولتی» این اداره، در سال ۱۹۵۳ م، پس از مرگ ژوزف استالین رهبر وقت شوروی از ادغام وزارت امنیت دولتی و وزارت امور داخلی تشکیل شد. K.G.B یک نام کلی برای فعالیت‌های سرویس اطلاعات شوروی سابق، پلیس مخفی و آژانس اطلاعاتی (جاسوسی) آن کشور بود. به دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۹۱ م، K.G.B جای خود را به F.S.B (سرویس ضد جاسوسی روسیه) داد. منتقدان عقیده دارند که این تغییر تنها در نام این سرویس است؛ ولی K.G.B همچنان به فعالیت‌های پشت پرده خود ادامه می‌دهد. نگاه: جنگ افغانستان و شوروی عامل فروپاشی جهانی کمونیسم، از امیر اعتماد دانشیار و کا. جی. بی در افغانستان، اثر واسیلی میتروخین. «مرکز تدوین»

این حقیقت را پنکوفسکی^۱ یک‌تن از جاسوسان روسی در کتاب خویش که در زبان فارسی به نام «یادداشت‌های پنکوفسکی» ترجمه شده، طی صفحات ۱۱۷-۱۱۸ و ۱۱۹، چنین شرح می‌کند:

«در حال حاضر عملیات اطلاعاتی در هندوستان با زحمت و اشکالات مختلفی مواجه است؛ معه‌ذا گرفتن عامل (استخدام اجیر جاسوسی) و تماس با شبکه عاملین ادامه دارد. عملیات تا مدت معین متوقف می‌ماند؛ لکن به محض اینکه علامت مخصوص تجدید فعالیت، می‌رسد، عاملین مافوراً دست‌به‌کار می‌شوند و در همین اثنا به عاملین، پول، لوازم و ادوات خاص تحویل و کاندیدای جدید را برای استخدام در نظر می‌گیرند و هم «K.G.B» و هم «G.R.U»،^۲ قدرت

۱. اولگ ولادیمیرویچ پنکوفسکی: در ۲۳ اپریل ۱۹۱۹ م زاده شد و ۱۶ می ۱۹۶۳ م، در مسکو اعدام شد. او سرهنگ سابق GRU ستاد کل نیروهای مسلح اتحاد جماهیر شوروی بود که برای ایالات متحده و انگلیس کار می‌کرد. مادرش او را تنها تربیت کرد. در سال ۱۹۳۷ او از دبیرستان در اورجونیکیدزه فارغ‌التحصیل شد، در ۱۹۳۷-۱۹۳۹ او در مدرسه دوم توپخانه کیف تحصیل کرد. سپس در سال‌های ۱۹۳۹-۱۹۴۰ او مربی سیاسی باتری بود، در مبارزات لهستانی و جنگ فنلاند شرکت کرد، در سال‌های ۱۹۴۰-۱۹۴۱ او دستیار رئیس بخش سیاسی کار کمسومول در مدرسه توپخانه مسکو بود. در ۱۹۴۱-۱۹۴۲ - مربی ارشد کار کامسومول اداره سیاسی منطقه نظامی مسکو بود. در ۱۹۴۲-۱۹۴۳ او افسر تعیین‌کننده ویژه شورای نظامی منطقه نظامی مسکو بود. در ۱۹۴۳-۱۹۴۴ او به‌عنوان رئیس گروه آموزشی و بعداً به‌عنوان فرمانده گردان توپخانه هنگ ۲۷ توپخانه جبهه اول اوکراین خدمت کرد. در ۱۹۴۴-۱۹۴۵ او جانشین فرمانده توپخانه جبهه اول اوکراین S.S. وارانسووا بود. برای معلومات بیشتر نگاه شود: وب‌سایت - <https://muegn.ru/fa/training/shpion-penkovskii-biografiya-kak-na-samom-dele-byl-kaznen-predatel.html>. تاریخ دریافت مطلب: ۱۸ دلو ۱۴۰۰، دوشنبه، ساعت: ۱۱:۱۰ پیش از ظهر. «مرکز تدوین»

۲. Glavnoye Razvedyvatel'noye Upravleniye یا اداره اصلی اطلاعات روسی: با سرنام پیشینش گپروشناخته می‌شود. اداره اطلاعات نظامی خارجی ستاد کل نیروهای مسلح فدراسیون روسیه است. «مرکز تدوین»

زیادی در پیدا کردن عاملین خوب در هندوستان^۱ دارند، هردو مرتباً ناظر اقدامات و عملیات نهرو^۲ و دولت و سیاست و دیپلماسی او می‌باشند.

در پاکستان^۳ قسمت اعظم عاملین بر اساس خرابکاری و ایجاد فساد متکی می‌باشد؛ زیرا این‌طور تلقی شده که دوستی و صمیمیت پاکستان نسبت به شوروی از هندوستان کم‌تر است و وقتی که من در بخش مربوط به پاکستان کار می‌کردم، نقشه و

۱. هند یا هندوستان: کشوری است که در جنوب قاره آسیا موقعیت دارد. مساحت آن ۳۱۶۵۵۹۶ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، حدود ۱۱۷۳۱۰۸۰۰۰ نفر تخمین شده است که دومین کشور پرجمعیت دنیا پس از چین به شمار می‌آید. زبان رسمی آن هندی و انگلیسی، واحد پول آن روپیه هند و پایتخت آن دهلی است. هند معجونی از ادیان مختلف و فرقه‌های مذهبی گوناگون است. پیشینه ورود اسلام به هند از اواخر قرن ۱ قمری و با سقوط پادشاهی ساسانی آغاز شد. گسترش اسلام در دوران سلطان محمود غزنوی و تصرفات وی در پنجاب ادامه پیدا کرد و در دوران حکومت گورکانیان هند به اوج خود رسید. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۱۲. «مرکز تدوین»

۲. جواهر لعل نهرو: در ۱۴ نوامبر ۱۸۸۹ م، در الله‌آباد هند زاده شد و در ۲۷ می ۱۹۶۴ م، به عمر ۷۴ سالگی در دهلی نو هند در گذشت. او از رهبران جنبش استقلال هند و کنگره ملی هند بود و به‌عنوان اولین نخست‌وزیر هند پس از اعلام استقلال در ۱۵ اگست ۱۹۴۷ م، انتخاب شد. «پاندیت» هم خوانده می‌شد. تا پیش از استقلال هند، نهرو مدت ۱۰ سال از عمرش را (به‌گونه‌ای نامنظم) در زندان‌های استعماری گذراند و پس از نخست‌وزیری او با کمک افراد میهن‌دوستی، چون سردار پاتل و دکتور آمبیکار توانست قوانین جدیدی را برای ساختاردهی مجدد به جامعه هند تصویب کند که مهم‌ترین آن‌ها لغو نظام کاست بود. نهرو همراه با احمد سوکارنو، مارشال تیتو و جمال عبدالناصر از پایه‌گذاران جنبش عدم تعهد به شمار می‌رود. مجموعه سه جلدی کتاب نگاهی به تاریخ جهان، کشف هند و به‌سوی آزادی (زندگی‌نامه نهرو به قلم خودش)، از آثار اوست. برای آگاهی از زندگی و تفکر نهرو به مجموعه سه جلدی کتاب نگاهی به تاریخ جهان، از جواهر لعل نهرو، ترجمه محمود تفضلی، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، سال چاپ ۱۳۸۶ ه.ش، چاپ سیزدهم رجوع کنید. «مرکز تدوین»

۳. جمهوری اسلامی پاکستان: کشوری است که در جنوب غربی قاره آسیا و در همسایگی افغانستان موقعیت دارد. مساحت آن ۷۹۶۰۹۵ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، حدود ۱۸۴۴۰۵۰۰۰ نفر تخمین شده است. زبان رسمی آن اردو، انگلیسی، پایتخت آن شهر «اسلام‌آباد» و واحد پول آن روپیه پاکستان است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۰. «مرکز تدوین»

طرح‌های فعالیت تخریبی و ایجاد فساد در پاکستان و نتایجی که باید از اجرای آن نقشه‌ها عاید شود، تکمیل شده بود؛ از جمله طرح‌های مربوط خراب کردن منابع، سدها و مسموم ساختن مخازن آب مشروب و از این گونه کارها که به منظور تولید هراس در میان مردم تهیه می‌شد.

در اینجا شاهد و مثالی ذکر می‌شود تا معلوم گردد، چگونه شوروی توسط افغانستان می‌خواهد مناسبات بین هندوستان و پاکستان را به هم زند؟ «مارشال سکولو دسکی» در سپتامبر و اکتوبر ۱۹۶۱ (وقتی که داود خان صدراعظم افغانستان بود)، همراه گروه بزرگی از افسران ارشد به افغانستان مسافرت کرد. مقصود از این سفر، بررسی آمادگی نیروی مسلح افغانی بود که امکان اجرای طرح‌های ترقی و توسعه معلومات جنگی و افزایش قدرت نیروی ارتش افغان بررسی شود.

همچنین زمینه برای آموزش کامل و جامع افسران افغانی در دانشکده‌های شوروی و اعزام عدّه زیادی از معلمین نظامی شوروی به افغانستان در موقع مقتضی به منظور عملیات مشترک علیه پاکستان صورت گرفت. همچنین سکولو دسکی دستور داشت که برخی مناطق مخصوص را جهت استقرار پایگاه‌های موشک در افغانستان انتخاب نماید و بعدها در آن اراضی، اقدامات نقشه برداری و مهندسی انجام پذیرد.

در همین وقت، دسته‌ای از افسران «K.G.B» برای اعزام عوامل به پاکستان از طریق افغانستان خود را

حاضر می‌کردند.»

از این نوشته صریحاً بر می‌آید که سردار خاین می‌خواست کشور ما را به‌حیث مرکز شبکه‌های جاسوسی روسی قرار دهد.

آری، او بعد از اینکه از لحاظ نظامی و اقتصادی، وطن ما را جزء اقمار اتحاد شوروی^۱ قرار داده بود، تصمیم داشت آن را به‌حیث پایگاه جاسوسی شوروی‌ها نیز قرار دهد.

تذکر این حقایق تلخ، دشمنی‌ها و عداوت‌های مسلسل او با اخلاق و دین، ظلم و استبداد، جنایات بی‌حساب او در گذشته، عنوان یک تراژدی غم‌انگیزی را دارد که وجدان ملت ما را همیشه آزار می‌دهد. مردم ما آن عهد‌ننگین و جنایات وحشیانه او را هرگز فراموش نکرده و نمی‌کنند.

در ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ سردار توسّط کودتای سوسیال امپریالیزم روسی دوباره روی صحنه آمد. این حقیقت که در این کودتا، شوروی نقش اساسی داشت، مطلبی است که نیازی به آوردن اسناد و شواهد ندارد؛ زیرا این حقیقت را همه مردم دانسته‌اند و تا آنجا که

۱. اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی: کشوری بود مُتشکّل از روسیه و چندین جمهوری متحد که از زمان تأسیس در ۱۹۲۲ م تا زمان انحلال در ۱۹۹۱ م، بخش بزرگی از شرق اروپا و شمال آسیا را در بر می‌گرفت و پهناورترین کشور جهان شناخته می‌شد. در دهه ۱۹۸۰ م، آثار فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ظاهر شد و بالاخره در ۱۹۹۱ م، این کشور رسماً منحل شد و به چند کشور دیگر تجزیه شد. یکی از اساسی‌ترین عوامل فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را حمله به افغانستان می‌دانند که به اثر شکست در مقابل ملت قهرمان و مجاهد افغانستان، این اتحاد بزرگ از هم پاشید. نگاه: جنگ افغانستان و شوروی عامل فروپاشی جهانی کمونیسم، از امیر اعتماد دانشیار، چاپ: اول، ۱۳۷۱ ه. ش، چاپ: کلینی، ناشر: مؤسسه انتشارات بهینه، تهران. «مرکز تدوین»

بسیاری از احزاب کمونیست پیرو مسکو آن را جشن گرفتند؛ چنانکه بقایای حزب توده جناح مسکو، در کشورهای غربی از کودتای سردار داود خان و کودتای پرتغال به گرمی استقبال کردند، آن‌ها نقش فعال شوروی را در این کودتا ستوده‌اند.^۱

در کانگریس بیست و پنجم حزب کمونیست روسیه، برژنف^۲ در سخنان خود، اوضاع فعلی افغانستان را از پیروزی‌های حزب کمونیست شوروی حساب کرده و از داود خان تمجید کرد.

نشریه‌های روسی و هندی، داود خان را به‌حیث پیشوای کمونیسم در افغانستان یاد می‌کنند.

سردار داود خان بار دیگر علی‌الرغم اراده مردم، قدرت را به‌دست گرفت و با دوباره به‌میان آمدن او، بساط ظلم و استبداد هموار گشت، دروازه زندان‌ها باز شد، تعقیب و جست‌وجو عمومیت یافت، شبکه‌های جاسوسی بار دیگر در سرتاسر کشور پخش شد، توطیه‌گری و دسیسه‌پردازی‌ها اوج گرفت، نفاق، خدعه و فریب به‌حیث نقطه بارزی در نظام جدید به ظهور آمد، بازار فساد، فحشا، رشوه، چور و چپاول گرم شد، موترها و خانه‌های دولتی میان رفقای کمونیسم داود خان توزیع شد، اموال دولتی غارت شد، مشتی از هرزه و بی‌سواد، پست‌های مهم دولتی را به‌دست

۱. نقل از دانشجو، نشریه سازمان جوانان ایرانی. «نویسنده»

۲. لئونید ایلچ برژنف: سیاست‌مدار و دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بود که در ۱۹ دسامبر ۱۹۰۶ م، میلادی زاده شد و در ۱۰ نوامبر ۱۹۸۲ م، درگذشت. «مرکز تدوین»

گرفتند، کمپودر^۱ بدنام و رسوایی [به نام] حسن شرق^۲ به عنوان شخص درجه دوم، اداره امور را به دست گرفت و سفله های جاهلی بر کرسی وزارت خانه ها تکیه زدند و اینکه سایر ادارات دولتی با چه قواره ها و مجسمه هایی آشنا شده، مطلبی است که همه مردم ما آن را می دانند.

اگرچه جایی که پیشوای انقلاب، دیوانه و جاهل باشد، جهالت و بی سوادی زیردستان جای تعجب نبوده؛ بلکه نتیجه منطقی این چنین نظام ها غیر از این چیز دیگری بوده نمی تواند و از همین جاست که از یادآوری این لکه سیاه در تاریخ کشور، همه احساس عار و ننگ می کنند.

سردار داود خان در عهد جدید خود ابتکارات تازه ای را که در ساحه وحشت و استبداد روی کار آورده است، ریکارد نیکولای تزاری^۳ پدر استبداد کمونیزم و

۱. داروساز. «مرکز تدوین»

۲. محمدحسن شرق فرزند ملا غلام محمد، در شهرستان اناردرة استان فراه در سال ۱۳۰۴ هـ ش، زاده شده است. شرق در جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان به حیث رئیس شورای وزیران کار کرده است. او هنوز (۱۴۰۱ هـ ش) زنده است و در امریکا به سر می برد. «مرکز تدوین»

۳. نیکولای یکم یا نیکولای پاولوویچ رومانوف: در ۶ جولای ۱۷۹۶ م، دنیا آمد و در ۲ مارچ ۱۸۵۵ م، درگذشت. امپراتور روسیه از سال ۱۸۲۵ میلادی و همچنین پادشاه لهستان بین سال های ۱۸۲۵ تا ۱۸۳۱ بود. او در گاتچینا به عنوان فرزند پاول یکم متولد شد. همسر او آلكساندرا فیودوروفنا، شاهزاده آلمانی بود. جنگ ایران و روس که به عهدنامه ترکمانچای انجامید، در زمان او به وقوع پیوست. الکساندر اول در نوامبر ۱۸۲۵ م، درگذشت و نامه ای بر جای گذاشت که به جای کنستانتین، برادر وسطی، نیکلای برادر کوچک تر خویش تزار گردد؛ ولی این نامه علنی نشد و طرفداران کنستانتین شروع به ادای سوگند وفاداری به او کردند، در حالی که او هیچ تمایلی به جانشینی نداشت. اختلاف بین طرفداران دو برادر بالا گرفت و گروهی از افسران آزادی خواه به بهانه حمایت از کنستانتین دست به شورش زدند. این شورش که قیام دکابریست ها معروف شد، در دو شهر سن پترزبورگ و کییف رخ داد. نیکلای اول سرسختانه در برابر این شورش ها ایستاد و افسرانی را که در اندیشه تغییر و تحول روسیه

الهام‌بخش لنین و استالین^۱ را درهم شکست. نیکولای موصوف، عادت داشت که هر روز در دربار خویش روی لاش‌ها و جمجمه انسان‌های مظلوم راه می‌رفت و گارد محافظ او با حمایلی از جمجمه‌ها او را استقبال می‌کردند.

داود خان هم به همکاری سابق وزیر مسلخ انسانی‌اش فیض‌محمد و رفقای تردامن^۲ و رسوای خلق و پرچم^۳، ریکارد جدیدی را قایم کرده و هر روز

بودند، سرکوب و اعدام کرد. خشونت‌های تزار باعث شد تا به نیکلای تازیانه‌زن مشهور گردد. نیکلای اول درگیر جنگ با امپراتوری عثمانی شد که به جنگ کریمه معروف گردید. سرانجام این تزار مستبد در ۲ مارچ ۱۸۵۵ م، در کاخ زمستانی سن پترزبورگ درگذشت. هرچند گمانه‌زنی‌های اثبات‌نشده‌ای مبنی بر خودکشی او نیز وجود دارد. برای آگاهی بیشتر نگاه شود: پیتر آکسلی، روسیه: از تزارها تا کمیسارها، انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۲۰۰۱ م، تاریخ روسیه از آغاز تا انقلاب اکتوبر، تألیف ن. بریان شانی‌نوف؛ ترجمه و اقتباس خانبابایی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۲ هـ ش و روسیه تزاری، تألیف جیمز ای. استریکلر، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس، ۱۳۸۱ هـ ش. «مرکز تدوین»

۱. ژوزف استالین: سیاست‌مدار و دومین رهبر اتحاد جماهیر شوروی سابق پس از لنین بود که در ۱۸ دسامبر ۱۸۷۸ م، تولد و در ۵ مارچ ۱۹۵۳ م، درگذشت. وی در سال ۱۹۲۲ م، به مقام دبیر کلی حزب کمونیست اتحاد شوروی رسید و پس از مرگ لنین، موفق شد در مبارزه قدرت در دهه ۲۰ بر «لیون تروتسکی» پیروز شود و رهبری حزب را در دست گیرد. در دهه ۱۹۳۰ م، استالین تصفیه کبیر را آغاز کرد که به کمپانی از سرکوب سیاسی، دستگیری و قتل مخالفان معروف است که در ۱۹۳۷ م، به اوج رسید. جهت آگاهی بیشتر از جنایات استالین، به کتاب «تاریخ سری جنایت‌های استالین» نوشته الکساندر آرلوف با ترجمه دکتر عنایت‌الله رضا که از سوی انتشارات کتاب‌سرا در ۵۰۴ صفحه منتشر شده است، مراجعه کنید. «مرکز تدوین»

۲. بدکار و بدنام. «مرکز تدوین»

۳. خلق و پرچم: حزب چپ‌گرا و مارکسیستی است که دوشاخه‌ای از حزب دموکراتیک خلق افغانستان بودند. شاخه پرچم را «ببرک کارمل» و شاخه خلق را «تره‌کی» رهبری می‌کرد. این حزب در زمان حکومت «نجیب» نامش را تغییر داد و به نام «حزب وطن» یاد می‌شد. کودتای منحوس هفتم ثور ۱۳۵۷ خورشیدی و تجاوز وحشیانه و ددمنشانه شوروی سابق که سرآغاز مصیبت‌ها و بدبختی‌های مردم مسلمان و مجاهد ما شد، شهادت، معلولیت و معیوبیت بیش از دویسم میلیون از مردم مسلمان ما و به زندان کشاندن میلیون‌ها انسان بی‌گناه و هزاران گور دسته‌جمعی در هر گوشه کشور عزیزمان را به همراه داشت، همه از جنایات شوم این دو حزب و حامیان آن‌هاست.

صحنه‌های آدم‌کشی نوی را نمایش می‌دادند و به نام کشف کودتایی، میله‌های آدم‌کشی را برپا می‌کنند. چنانکه مردم عزیز ما اطلاع دارند، محابس دهمزنگ^۱ - که رقیب سرسخت زندان ولادیمیر^۲ و سایر زندان‌ها و محابس وحشتناک روسیه شده‌اند - همه روزه شاهد تعذیب و کشتارهای وحشیانه می‌باشند. آری، در این زندان‌های هولناک و سایر زندان‌های پر طول و عرض داود خان، هزاران افغان رنج‌دیده و محروم - از طبقات مختلف مردم، از افسران دلیر اردوی باشهامت افغان گرفته تا پیشوایان محترم مذهبی، جمهوریت‌خواهان واقعی، جوانان آگاه، پیرمردان از پافتاده و حتی کودکان معصومی که تازه چشم به زندگی کشوده‌اند - با وحشت و بربریت، تعذیب و کشته می‌شوند.

قتل بی‌رحمانه مفکر دل‌سوز و سیاست‌مداری

نگاه: دسایس و جنایات روس در افغانستان از امیر دوست‌محمد خان تا ببرک، از دکتور شیراحمد نصری حق‌شناس. «مرکز تدوین»

۱. زندان سیاسی دهمزنگ: در دورهٔ صدارت محمد هاشم اعمار گردیده بود که از بیرون شکل قلعه نظامی را داشت؛ اما در داخل از حجره‌های کثیف و دخمه‌های تاریک و متعفن تشکیل یافته بود که از زندانیان سیاسی مملو و آکنده بود. این محبوسین که اکثر ایشان از فاضلان و روشنفکران مسلمان کشور بودند، مدت حبس معین نداشتند؛ زیرا نه جرم‌شان ثابت بود و نه جزای‌شان معلوم، خود آن‌ها ظریفانه خود را به دو دسته با عناوین «باز» و «باشه» تقسیم می‌کردند، باز آنانی بودند که گفته می‌شد، باز یک‌بار به کارشان رسیدگی می‌شود و باشه کسانی که شاه یا صدراعظم گفته بود: «باشه»؛ یعنی تا زنده است در زندان بماند؛ اما در عمل، هردو گروه در حکم زندانی ابدی بودند؛ زیرا هیچ‌کس به فکر رهاساختن ایشان نبود. جهت معلومات بیشتر نگاه شود: افغانستان در پنج‌قرن اخیر، از میر محمد صدیق فرهنگ، جلد اول و دوم، ص: ۷۱۳ - ۷۱۴، چاپ بیستم، ۱۳۸۸، جلد اول و دوم، به کوشش محمد ابراهیم شریعتی، ناشر: انتشارات عرفان، چاپ: بیستم، تهران، ایران. «مرکز تدوین»

۲. زندان مرکزی ولادیمیر: زندانی برای مجرمین خطرناک در شهر ولادیمیر روسیه گفته شده است که این زندان در سال ۱۷۸۳ م، بازگشایی شده است. «مرکز تدوین»

چون میوندوال^۱ و جوانانی که هریک چون سپیده‌های صبحگاهی در افق آمال جامعه نیازمند ما درخشیده بودند، کشتن افسران شجاع و غیوری که حافظ ناموس کشور بودند، آن همه از آن جنایات ننگین و شرم‌آوری است که در این عهد سیاه و وحشت‌بار، بار بار تکرار شده است.

شکار انسان‌های بیچاره، دریدن و پاره کردن اجساد مجروحین در کوه‌های پنجشیر که توسط کماندوها و به رهبری متخصصین روسی صورت گرفته بود و هدف گلوله قراردادن انسان‌های محروم و بیچاره‌ای که به خاطر لقمه‌نانی در جنگلات جنوبی رنج می‌کشند، عریان و برهنه نمودن، میخ و نل کردن به دست و پای علمای غیور و شرافتمند لغمان در اجتماع عمومی مردم، این‌ها همه لکه‌های سیاه و خجالت‌آوری است که در این دوره شوم، بار بار به چشم می‌خورد.

امروز هزاران فامیل افغان، در آن حالی که سینه‌های‌شان سرشار از عشق وطن است، خانه‌ها و دوستان، مال و زندگی خود را گذاشته، از میهن محبوب خویش هجرت می‌کنند؛ اما این نظام فاسد، این

۱. محمد هاشم میوندوال فرزند الحاج عبدالحلیم از قوم دینارخیل بود که در سال ۱۲۹۸ هـ ش / ۱۹۱۹ میلادی، در شهرستان مقر استان غزنی، در یک خانواده کم‌بضاعت زاده شد و در ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۳ میلادی، در زندان پلچرخ درگذشته است. میوندوال در بخش‌های مختلفی چون: مدیر جریده انیس، مدیر عمومی اداره دایرة المعارف در ریاست مستقل مطبوعات، معاون ریاست مستقل مطبوعات و مشاور مطبوعاتی محمد ظاهر شاه، معین سیاسی در وزارت خارجه، سفیر و نماینده فوق‌العاده دولت افغانستان در پاکستان، سفیر افغانستان در لندن، وزیر مطبوعات و صدراعظم در دولت محمد ظاهر شاه، کار کرده بود. جهت مطالعه بیشتر به کتاب: محمد هاشم میوندوال، از محمد نجیم آریا، چاپ چهارم، ۱۳۸۷ هـ ش، ناشر: مرکز نشراتی میوند، سبا کتابخانه، مراجعه کنید. «مرکز تدوین»

افغان‌ها را در بیرون از کشورشان نیز آرام نمی‌گذارد و صدها عضو فاسدال‌اخلاق پرچمی را به‌عنوان جاسوس و وظیفه می‌دهد تا این‌ها را در حال دربه‌دري، مورد تعقیب و جست‌وجو قرار دهند و اکنون دیده می‌شود، حتی به تعقیب کارگران عادی که در کشورهای خلیج،^۱ مزدوری می‌کنند، جواسیس فرستاده شده تا آن‌ها را مورد نظارت قرار دهند، قسمی که صدها تن از این پارازیت‌ها به نام روغتیاپال و نگران‌های جنگل و به نام‌های دیگر استخدام شده‌اند تا مردم محروم و ستم‌دیده و یا ستم‌دیده اطرافی را در قریه‌های محقر و فلاکت‌بارشان مورد تعقیب قرار دهند و چه بسا که توسط راپورهای جعلی آنان، سوقیات عسکری و هجوم‌های مسلّحی بر قریه‌های بی‌دفاع صورت گرفته و می‌گیرد.

چنانکه همه اطلاع دارند، چند ماه پیشتر به‌خاطر گرفتاری یک نفر در قریهٔ «مرور»^۲ کنرها، سوقیات بزرگ عسکری صورت گرفت، سیزده تانک، چهار موتر عسکر، هشت توپ ثقیل در این هجوم شرکت داشتند و یک روز مکمل قریه‌ها و کوه‌های اطراف با توپ و تانک به آتش کشیده شد و بعد از این همه

۱. کشورهای خلیج: به کشورها و دولت‌هایی گفته می‌شود که سواحل و دسترسی به آب‌های خلیج فارس را دارند. معمولاً به این کشورها، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج نیز گفته می‌شود که عبارت‌اند از: عربستان سعودی، کویت، قطر، امارات متحدهٔ عربی، بحرین و عمان. فرهنگ کشورهای عربی خلیج، علاوه بر اشتراک دینی و فرهنگی برگرفته از دین مقدّس اسلام، یک‌سری روابط قبیله‌ای و زبانی متمایزی در میان کشورهای عربی خلیج وجود دارد. کشورهای خلیج عربی، در سه خصلت مشترک‌اند: ۱. درآمد سرشار و انبوه از طلای سیاه (نفت و گاز)؛ ۲. جمعیت انبوه غیر بومی؛ ۳. و

رشد اقتصادی سریع. «مرکز تدوین»

۲. مرور، فعلاً یکی از شهرستان‌های استان کنراست. «مرکز تدوین»

عملیات وسیع توپخانه‌ای، حمله صورت گرفت و در نتیجه پیرمرد هفتادساله‌ای با یک جوان مجروح و چند زن و کودک دیگر در موترهای عسکری انباشته شده و به طرف سرنوشت نامعلومی سوق داده شدند.

این تراژدی‌های المناک، هر روز در اینجا و آنجا، در هر گوشه‌ای از افغانستان عزیز تکرار می‌شود و البته همه می‌دانیم که میلیون‌ها افغانی از اموال دولت که جزء اعظم آن را قرضه‌های کمرشکن خارجی تشکیل می‌دهد، در این گونه اعمال و جاسوسی‌ها به مصرف می‌رسد.

چندی قبل باغبانی در «چُغِه‌سرای»^۱ به گناه مطالبه یک جلد کتاب دینی با همه افراد عایله‌اش به اردوگاه‌های تعذیب داود خان تحویل شد و صدها روستایی بی‌گناه مورد شکنجه قرار گرفتند.

خلاصه، سلاحی که قرضه‌های آن، کمر ملت را خم کرده، برای این خریده می‌شود تا سینه خود همین ملت محروم و ستمدیده را بشکافد.

با این همه فجایع دردناک، باز هم داود خان که شاگرد مخلص انگلیس و چاکر وفادار روس‌هاست، چال و فریب را نیز فراموش نکرده و می‌خواهد قیافه منحوس خویش را گاه‌گاه تغییر دهد.

با بررسی اعمال او در این جهت، به این نتیجه می‌رسیم که تقلب و نفاق یک پدیده شوم دیگری است

۱. چُغِه‌سرای یا چغان‌سرای: نام قدیمی اسدآباد یا اسعدآباد استان کنر در شرق افغانستان گفته شده است که مرکز استان کنر است. اسعدآباد در کنار رود کنر در منطقه کوهستانی و در ۱۳ کیلومتری مرز پاکستان واقع شده است و از چغان‌سرای یا چغه‌سرای بابر به عنوان روستایی در مرز کافرستان نام برده است. علامه سید جمال‌الدین افغانی، زاده همین روستاست. «مرکز تدوین»

که در این عهد شوم، فراوان به چشم به می خورد و این نیرنگ را داود خان از اولین روزهای کودتای سیاه خویش به کار بسته است؛ اما خوشبختانه به حکم اینکه دروغگو حافظه ندارد، اعمال بعدی او هر نیرنگ قبلی اش را افشا نموده است.

بلی، به یاد داریم در اولین روز کودتا، داود خان اعلان کرد: نظام او با روحیه واقعی اسلام موافق است و چند روزی لوحه‌هایی در بعضی از نقاط نصب شد و از اسلام و جمهوریت اسلامی حکایت می کردند؛ اما به محض استقرار نسبی نظام، دشمنی با اسلام آغاز شد.

چندین هزار نسخه مجله «پیام حق»^۱ به خاطر اینکه در پهلوی کلمه جمهوریت لفظ اسلامی را ذکر کرده بود، سانسور شد و «مجله شرعیات»^۲ به لحاظ اینکه مقاله‌ای -آن هم دو ماه پیش از کودتا- تحت عنوان «اتحاد اسلامی» نشر کرده بود، به کلی از نشر باز ماند و مدیر آن محکوم به جزا گردید.

مدیر روزنامه «ورانگه» به جرم اینکه کلمه «جمهوریت اسلامی» را در روزنامه خود نوشته بود، تهدید شد و بعد از هزار تکلیف و اعلان وفاداری بی قید و شرط نظام، خود را خلاص کرد.

۱. پیام حق: ارگان نشراتی وزارت ارشاد حج و اوقاف است که در سال ۱۳۳۱ هـ.ش، تأسیس شده است. «مرکز تدوین»

۲. مجله شرعیات: نشریه دانشکده شرعیات دانشگاه کابل است که در سال ۱۳۴۹ هـ.ش، به فعالیت آغاز کرده بود و به اثر تحولات سیاسی و کشمکش‌های داغ فکری، در سال ۱۳۵۲ هـ.ش، از همراهی کاروان مطبوعات کشور بازمانده بود. این مجله بعد از توقف دست کم ۳۷ سال، بار دیگر، به کاروان مطبوعات کشور پیوست و فعالیت‌های پژوهشی و علمی خویش را از سر گرفت. گفتنی است که استاد شهید نخستین مدیر مسئول این مجله بوده است. «مرکز تدوین»

پخش اذان از رادیو به یک وقت محدود شد، مضامین دینی رادیو شدیداً مورد سانسور قرار گرفت. تعداد حجاج از هفده هزار به چهار هزار تقلیل داده شد، جهت از بین بردن مواعظ دینی در مساجد، لایحه‌ای از طرف ریاست اوقاف وزارت عدلیه تدوین گردید که در آن نهی عن المنکر را قطعاً ممنوع قرار داده و تعرض به الحاد و کمونیزم را جرم مورد تعقیب می‌خواند و اینکه در زندان‌ها بالای صدها تن از علمای مذهبی چه می‌گذرد؟ مطلبی است که همه از آن آگاه بوده و نیازی به تذکر ندارند.

ملاحظه این همه دشمنی و عداوت به اسلام، ادعاهای قبلی او را یک‌سره نقش بر آب ساخت و منافقت او را به همه مردم فاش نمود. نفاق او در چهره‌های مختلف به همه هم‌وطنان واضح و آشکار شده است.

مگر همین سردار داود خان که خود در پایه‌گذاری خلق و پرچم شریک بوده و در همه تصمیم‌های او، اراده این دارودسته‌های مزدور دخیل است، با کمال بی‌حیایی هنگام توزیع شهادت‌نامه‌های فارغان پولی‌تخنیک^۱ اظهار نکرد که او به هیچ گروهی مربوط

۱. دانشگاه / پوهنتون پولی‌تخنیک کابل: در ۲۱ میزان سال ۱۳۴۲ ه.ش، مطابق به ۱۳ اکتوبر سال ۱۹۶۳ میلادی، در ساحه ۷۲ هکتار ۳۶۰ جریب زمین در مربوطات ناحیه پنجم شاروالی شهر کابل با اشتراک هیئت دولتی داخلی و خارجی تهداب‌گذاری شده است که شامل تعمیرات تدریسی، لابراتوارها، کتابخانه، لیلیه محصلان، تعمیرات رهائشی استادان، طعام‌خانه با گنجایش ۱۰۰۰ تن در یک وقت، مسجد با گنجایش حدود ۵۰۰ نمازگزار در یک وقت، مجتمع سپورتی، تالار کنفرانس‌ها با گنجایش بیشتر از ۱۰۰۰ تن، ورکشاپ‌ها، پولیگون‌ها و ساحات تفریحی می‌باشد. مواد ساختمانی و تجهیزات این پوهنتون از جانب مردم شوروی سابق به مردم افغانستان طور تحفه اهدا گردیده و در اعمار آن کارگران و انجینیران افغانی و شوروی وقت شرکت داشته‌اند.

نبوده و ارتباطش به گروه‌های سیاسی گناه است. این سخنان در وقتی از زبان او شنیده می‌شود که در آن وقت سلیمان لایق^۱ عضو «کمیته مرکزی پرچم» را به صفت نماینده شخصی خود به اتحاد شوروی فرستاده و در چوکات وزارت داخله، شبکه جاسوسی پردامنه‌ای را تأسیس کرده و سلیمان لایق را با بودجه هنگفت و اختیارات وسیعی عهده‌دار آن نموده تا به نفع پرچم و سرکوبی جریان‌های مخالف فعالیت نماید. باز همین داود خان است، در آن حالی که برای ریشه‌کن ساختن دین و مذهب، از هر راه و وسیله‌ای استفاده می‌کند، باز هنگام دیدار با برخی از اعضای مذهبی، تمساح‌صفت اشک می‌ریزد که یگانه آرزوی

بعد از تکمیل بلاک‌های تدریسی و لابراتوارها در سال ۱۳۴۶ ه‍.ش، این مؤسسه به پذیرش اولین دوره محصلین نایل آمده و در سال ۱۳۵۱ ه‍.ش، برای بار نخست فارغین خود را به سویه تحصیلی لیسانس / کارشناسی تقدیم جامعه کرده است. تا سال ۱۳۸۱ این دانشگاه به نام انستیتوت پولی تخنیک کابل مستقر بود که بعد از آن به پوهنتون / دانشگاه پولی تخنیک کابل تغییر نام داده شد. تا سال‌های ۱۳۵۹ فارغان این مؤسسه سویه تحصیلی لیسانس را کسب می‌کردند، بعد از آن تا سال ۱۳۷۱ فارغان آن درجه تحصیل ماستر علوم انجینیری را داشت. در همین دوره کادرهای ملی به سویه‌های عالی علمی و پیداکوژی تا سطح دکتورا نیز در این دانشگاه تربیه می‌شد و درکل بیشتر از ۲۰ تن از دکتورای خویش دفاع نموده‌اند. دانشگاه پولی تخنیک کابل از نخستین سال‌های تأسیس آن به مثابه بزرگ‌ترین نهاد تربیه کادرهای مسلکی در افغانستان به فعالیت آغاز کرد، کارکردهای فارغ‌های آن در همه رشته‌های انجینیری محسوس و چشمگیری است و همواره سعی شده تا بستر مناسب، فضا و جو مساعد را برای رشد، توسعه و معاصر سازی کمی و کیفی آن مهیا سازد. نگاه: وبسایت دانشگاه پولی تخنیک <https://kpu.edu.af/dr>، ساعت: ۰۱:۵۸ بعد از ظهر، شنبه ۱۶ دلو ۱۴۰۰ ه‍.ش. «مرکز تدوین»

۱. سلیمان لایق فرزند عبدالغنی در ۹ میزان ۱۳۰۹ ه‍.ش، در روستایی در استان پکتیا زاده شد و در ۱۰ اسد ۱۳۹۹ ه‍.ش، در کابل درگذشت. سلیمان لایق، شاعر، روزنامه‌نگار، یکی از رهبران جنبش چپ و پیرو مارکسیزم بود. برای آگاهی رجوع شود. ایوب آروین (۱۵ عقرب ۱۳۹۶ / ۶ نوامبر ۲۰۱۷)، «از گذشته: انقلاب اکتبر شوروی و افغانستان: غلام‌مجدد چگونه سلیمان لایق شد؟» وبسایت فارسی بی بی سی / <https://www.bbc.com/persian/afghanistan-41883012> «مرکز تدوین»

او به میان آوردن حکومتی چون دوران خلافت فاروق اعظم^۱ است و در آن وقت که در ماه مبارک رمضان، باغبان و کارگران باغ خود را در شمالی^۲ به روزه خوردن امر می‌کند، باز اشخاصی را دستور می‌دهد که از کرامات و مقامات او افسانه سرایند!

راستی که این خود از همان نوع حيله‌های فرسوده است که زمامداران بی‌بندوبار پیوسته به خاطر اغوای عوام، افسانه‌سرایانی را هدایت می‌دادند تا مجالس رقص، شراب و فحشا، آن‌ها را در هاله‌ای از تبلیغات و افسانه‌های پرهیزگاری و پاکدامنی ولی نعمت خویش بپوشانند.

آری، نفاق و دورویی داود خان یک موضوع نوی نیست، از این صفحات ننگین در عهد حیات صدارت

۱. نامش عُمَر پسر خَطَّاب پسر نفیل، ملقب به ابوحفص، فاروق و دومین خلیفه راشد. نسبش در کعب بن لؤی به پیامبر Y می‌رسد. پیامبر Y مدام دعا می‌کرد که خداوند اسلام را با یکی از دو عمر (عمر پسر خطاب یا ابوجهل) عزت دهد. خداوند دعا پیامبر را در حق او اجابت کرد و مسلمان شد. به واسطه وی، خداوند اسلام و مسلمانان را عزت بخشید. وی بعد از ابوبکر صدیق ~ به خلافت رسید. در دوران خلافتش، سرزمین‌های سوریه، عراق، فارس، بَرَقَه، طرابلس غرب، آذربایجان و نهاوند و گُرگان فتح شد. وی اولین کسی است که آغاز تاریخ مسلمانان را هجرت رسول الله Y قرارداد و دفاتر تنظیم و ثبت امور مالی را ایجاد کرد. در پایان بعد از ده سال و شش ماه و چهار روز مدت خلافتش، به دست ابولؤلؤ مجوسی در نماز صبح سال ۲۳ هـ ق، به شهادت رسید. عمر ~ در حجره ام‌المؤمنین عایشه A در کنار پیامبر Y و ابوبکر صدیق ~ به خاک سپرده شد. نگاه: ستارگان هدایت، ص: ۱۳۵، سیمای صادق فاروق اعظم عمر بن خطاب ~، از حاج ملاعبدالله احمدیان، خلفای راشدین از خلافت تا شهادت، از صلاح عبدالفتاح الخالدی، عبقریة عمر ~، از عباس محمود العقاد و محمد Y نخستین مربی و آموزگار بشریت از رهبر شهید پروفیسور برهان الدین ربانی. «مرکز تدوین»

۲. شمالی: به منطقه‌ای از کابل و پروان گفته می‌شود که شامل شهرستان‌های کوه‌دامن، شکرده، فرزه و کلکان می‌شود و مردم آن بیشتر مصروف باغداری و تاک‌پروری انگوراند و در شجاعت و مهمان‌نوازی، جهاد و مقاومت و عیاری زبان‌زد عام و خاص‌اند. «مرکز تدوین»

او نیز بسیار دیده می‌شود؛ مگر همین داود خان نبود که خود فحشا را عملاً رسمی ساخت و به وزارت داخله وقت خویش امر صادر کرده بود، پولیس اشخاصی را که در تفریحگاه‌های عمومی در حال ارتکاب فحشا ببینند، مزاحم نشود و به خاطر جلوگیری از ارتکاب فحشا در تپه ملنگ جان چند ضابط و چندین نفر پولیس محکوم به جزا شدند؛ باز همین داود خان است که در میان عوام پخش نموده است که در میان خاندان محمدزایی یگانه شخصیتی که از فساد و فحشا در امان مانده، فقط اوست و بس.

چنانکه هم‌وطنان عزیز اطلاع دارند، شبکه منظمی از فرانسویان به خاطر پخش فحشا و عمومیت بخشیدن تریاک و هیروین در میان جوانان کار می‌کنند و دولت هم امکانات را برای شان آماده ساخته است، هجوم فاحشه‌ها در رستوران‌های شهر نو و هتل‌های اطراف پشتونستان وات، نمونه‌ای از این فعالیت‌های خاینانه را نشان می‌دهد.

در دوره جنایت‌بار کنونی او، هجوم رقاصه‌ها را که به خاطر فاسدساختن اخلاق و تهذیب ملت مهذب ما صورت می‌گیرد، جزئی از پروگرام اعلان شده‌ای است که به نام تشویق هنر به عمل به می‌آید و همه می‌بینیم، هفته‌ای نمی‌گذرد که مشتی از فاحشه‌های نیمه‌عریان از کشورهای کمونیستی و غیرکمونیستی حتی از اسپانیا^۱ و

۱. اسپانیا: کشوری است واقع در اروپای غربی و عضو اتحادیه اروپا. مساحت این کشور ۵۰۵'۹۹۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۲۰ م، حدود ۴۶/۷ میلیون نفر تخمین شده است. زبان رسمی آن اسپانیایی است و پایتخت آن شهر «مادرید» می‌باشد. قابل تذکر اینکه آندلس که به عنوان یکی از شهرهای مهم این کشور محسوب می‌شود، در اصطلاح جغرافیه‌نویسان اسلام بر تمام شبه جزیره ایبری؛ یعنی اسپانیا و

استرالیا^۱ دعوت شده و به‌خاطر تماشای آن‌ها اعضای کمیته مرکزی و کابینه اشتراک می‌ورزند. باز هم هستند مداحانی که این همه مفاسد او را به‌نام رئیس‌بایمان لقب می‌دهند.

پرتغال فعلی اطلاق می‌شود. این سرزمین به تاریخ ۹۲ هـ.ق، توسط «طارق بن زیاد» فتح شد و خلافت مسلمانان در آن سرزمین ایجاد گردید که برای ۷۸۱ سال مسلمانان در آنجا حکومت کردند. رجوع شود به: *El español: una lengua viva - Informe*. Instituto Cervantes. 2019 (PDF) (Report). «مرکز تدوین»

۱. اُسترالیا: یکی از کوچک‌ترین قاره‌های جهان است که شامل استرالیا و جزیره‌های کوچک دیگر نیز می‌شود؛ اما استرالیا یک کشور مستقل است که از سرزمین اصلی قاره استرالیا، جزیره تاسمانی و جزایر کوچک‌تر متعددی تشکیل شده‌است. این کشور از نظر مساحت بزرگ‌ترین کشور اقیانوسیه و ششمین کشور بزرگ جهان به‌شمار می‌رود. جمعیت آن در سال ۲۰۲۰ م، ۲۵٬۶۸۸٬۰۰۰ میلیون نفر و مساحت آن ۷٬۶۱۷٬۹۳۰ کیلومتر مربع تخمین شده‌است. این کشور زبان رسمی ندارد؛ اما زبان ملی آن انگلیسی و استرالیایی گفته شده‌است و پایتخت آن شهر «سیدنی» می‌باشد. «مرکز تدوین»

خلاصهٔ فراورده‌های کودتای داود خان

عهد جدید داود خان که با جنایات جدیدی آغاز شده و هر روز جنایت وحشت‌بار نوری به ارمغان می‌آورد، کارهای انجام داده که به‌صورت نمونه از موارد ذیل می‌توان نام برد:

۱- تلاش چاکرمن‌شانه در جهت استحکام نفوذ روسیه شوروی در کشور و سعی به خاطر عملی شدن خواب تزاری و نقشه سیادت طلبی استعمار جدید در قسمت راه‌یافتن روسیه شوروی به بحر هند؛

۲- تقویت هرچه بیشتر اجنت‌های روسی پرچم و خلق علی‌الرغم نفرت عمیق مردم از آنان؛

۳- تغییر نشان محراب و منبر - که رمز اسلامی کشور ما بوده - به نشانه کرگسی که علامت همان پرچم مشرکین بود که در جنگ علیه پیغمبر بزرگ اسلام با خود حمل کرده بودند؛

داود خان با این عمل خود، نشان داد که پرچمدار مشرکین و دشمنان اسلام بوده و با اسلام و مسلمانان اراده جنگ و عداوت دارد.

۴- گسترده شدن بساط ظلم و استبداد تا آنجا که از

کمال ظلم در این دوره دو تن از هم‌میهنان باشهامت و غیور ما برای بار اول خود را در اجتماع عمومی به‌عنوان اعتراض به آتش سوختند؛

۵- عمومیت یافتن غارت‌گری اموال دولت، پخش فساد و رشوه و اقرباپروری؛

۶- اختراع روش‌های جدید، در صورت شکنجه، تعذیب و کشتار انسان‌های مظلوم و بی‌گناه کشور ما؛
۷- حاکمیت بخشیدن قانون جنگ در بسیاری از مواد به‌خصوص در مورد زندانیان؛

۸- مجبور ساختن هزاران خانواده وطن‌دوست افغان تا از کشور هجرت کنند؛

۹- بالابردن گراف بیکاری و بی‌روزگاری و صعود برق‌آسای نرخ‌ها؛

۱۰- ارمغان آیین جدید (ایدیولوژی ملی):

از سوغات‌های عمده‌ای که رژیم داود خان به ارمغان آورده‌است، اصطلاح ایدیولوژی ملی است. او ملت افغانستان را متهم به فقر ایدیولوژیکی نموده و خواهان این است که مردم از ایدیولوژی ملی او پیروی کنند.

محتوای این ایدیولوژی^۱ تا هنوز روشن نیست؛ اما

۱. ایدیولوژی: در فرهنگ فارسی معین، به انواع و اقسام سیستم‌های فکری و فلسفی و من‌جمله مذهب که به‌نوعی در تعیین خط‌مشی، عمل یا موضع‌گیری معتقدان به آن‌ها در مسایل سیاسی - اجتماعی مؤثر باشد، گفته شده‌است و ایدیولوگ، لغت فرانسوی است، به‌معنای «ایدئشناسی» یا کسی که در یک ایدیولوژی صاحب‌نظر است و مرجعیت دارد. در برخی از کشورهای کمونیست «مؤسسات ایدیولوژیک» برپاست و فیلسوفان حزبی را معمولاً «ایدیولوگ» می‌نامند. مارکسیسم - لنینیسم نمونه‌عالی و کامل یک ایدیولوژی است. نگاه: دانشنامه سیاسی، ص: ۵۴-۵۵ و نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی از حمیدرضا جلالی‌پور و جمال محمدی، ص: ۴۸۸، چاپ ششم، ۱۳۹۴، نشر نی، تهران. «مرکز تدوین»

تنها چیزی که از این اصطلاح او برمی آید، این است که از نظر داود خان ایدیولوژی کامل اسلامی، ناقص و نارساست و از این لحاظ مردم را به پذیرش ایدیولوژی دست‌ساخته خود دعوت می‌کند.

دیگر اینکه سردار در لباس غلام احمد قادیانی^۱ دیگری - که در ایجاد او استعمار کهنه و نو، هر دو، دست در دست همدیگر داده و او را به میان آورده‌اند - آیین جدیدی را به مردم افغانستان به ارمغان آورده‌است. در اینجا مردم متدین مافت خواهند بود که سردار سبک‌سر، تنها به این حد قانع نشده که علی‌رغم ارادهٔ مردم به روی شانه‌های‌شان سوار گشته و به زور تانک مسلسل فرمان می‌راند، با این حالت قناعت نمی‌کند و بلکه در هوای فرعون‌ی افتاده و ادعای آیین‌سازی و بالاتر از آن را دارد و آیا این یک اهانت به تاریخ، فرهنگ و وجدان ملت ما نیست که دیوانهٔ بدمستی که به زور تانک قدرت را به دست گرفته، چنین ادعاهایی را هم بنماید. در عین حال او خود را

۱. میرزا غلام احمد قادیانی: بنیان‌گذار فرقهٔ قادیانیه، در سال ۱۸۳۹ م، در روستای قادیان پنجاب هند به دنیا آمد و در سال ۱۹۰۸ م، به عمر ۶۹ سالگی درگذشت و در قادیان به خاک سپرده شد. قادیانی بعد از تحصیلات ابتدایی و متوسطه، مدتی در دستگاه اداری انگلیس خدمت کرد و پس از مدتی از آنجا خارج شد و فعالیت خود را به عنوان یک دعوتگر اسلامی آغاز کرد و به علت حضور شدید تصوف در منطقهٔ پنجاب، در این راه قدم گذاشت و سپس ادعا کرد که یک مجدد دین است و از جانب خداوند به او وحی الهام می‌شود، به همین شیوه پیش رفت و ادعا کرد، او همان مهدی منتظر و مسیح موعود است که این افکار او باعث تکفیر او شد و هنوز هم فرقهٔ قادیانی پیروان خود را در برخی از گوشه‌های جهان دارد. برای مطالعه بیشتر نگاه شود: تاریخ فرقهٔ انحرافی قادیانیت و تأثیر آن در پاکستان (مقالهٔ pdf)، از محمد حسن عباس، دو فصلنامهٔ تخصصی نور، المصطفی، شمارهٔ ۷، خزان و زمستان ۱۳۹۷ ه.ش. و «عجاز المسیح، الخزائن الروحانية» مجلد ۱۸ ص ۷-۹ و «مرآة کمالات الإسلام، الخزائن الروحانية» مجلد ۵ ص ۴۲۲-۴۲۶ و «الاستفتاء، الخزائن الروحانية» ج ۲۲ ص ۶۴۱، از: غلام احمد قادیانی. «مرکز تدوین»

مسخره می‌کند.

بلی؛ اینکه، دیوانه‌ای که در کمال نادانی و اختلال عقلی، باب مکتب جدیدی را باز کند، خود یاهو‌سرایی بیش نیست؛

۱۱- ارمغان سوسیالیزم:

از ارمغان‌های دیگری سردار داود خان، اعلان سوسیالیزم است. اصطلاح سوسیالیزم را بسیاری از هم‌وطنان ما می‌شناسند که عبارت از آن نظام فاسد و ننگینی است که هدف اساسی آن ریشه‌کن ساختن ادیان و پایه‌گذاری الحاد و استبداد است.

مردم ما جهت‌آشنایی به واقعیت و فجایع عملی آن، ضرورت به مثال و نمونه دیگری نخواستند داشت. چه دوره سه‌ساله دیکتاتوری داود خان که مقدمه‌ای برای اعلان سوسیالیزم بود، چه فجایع دردناکی را نبود که با خود نداشت.

استبداد این عهد شوم ننگین با نظام پر از وحشت امپراتوران سوسیال امپریالیزم کرم‌لین سخت رقابت می‌کند، کفر و الحاد به پیمانۀ وسیعی پخش شد.

امروز در دورترین قریه‌ها، کمونیستان در پناه رعایت دولت، اندیشه‌های گمراه‌کن مارکس^۱ را تبلیغ

۱. کارل مارس: در ۵ می ۱۸۱۸ م، در یکی از شهرهای آلمان زاده شد و در ۱۴ مارچ ۱۸۸۳ م، به عمر ۶۴ سالگی در لندن درگذشت. مارکس یهودی‌تبار بود. این فیلسوف آلمانی در باب اقتصاد، سیاست، جامعه‌شناسی و... نظریات قابل‌بحثی دارد. برای معلومات بیشتر در مورد زندگی و نظریات کارل مارکس و نقد دیدگاه‌های جامعه‌شناسانه و اقتصادی او به کتاب‌های: نظریۀ جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ص: ۱۹۰، اثر جورج ریترز، مترجم: محسن ثلاثی، چاپ دهم، ۱۳۸۴ هـ.ش، انتشارات علمی، تهران، ایران و کتاب اسلام و سوسیالیزم از شیخ عبدالحلیم محمود، مترجم: رهبر شهید پروفیسور برهان‌الدین ربانی، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، چاپ دوم، ۱۳۹۹ هـ.ش. مراجعه کنید. «مرکز تدوین»

می‌کنند، در جایی که ملای قریه نمی‌تواند به آزادی قرآن کریم را به مردم ترجمه نماید. کمونیستان آزادانه افکار مُخَرَّب مارکس و لنین^۱ را به مردم بیان کرده و از آنان دعوت می‌کنند که اسلام را ترک کنند و کمونیست شوند.

این همه در دوره‌ای صورت می‌گیرد که مقدمه‌گذاری برای سوسیالیزم است و اگر خود سوسیالیزم با قواره وحشت‌بار خود بیاید و با همه ظلم و فساد که دارد، عملی گردد، در آن حال چه تصوّر می‌کنید، گراف استبداد تا کجاها بالا خواهد رفت و دشمنی علیه اسلام تا به چه حد کسب شدّت خواهد کرد؟

داود خان مدعی است که او سوسیالیزم را فقط در ساحه اقتصادی تطبیق می‌کند و چنانکه واضح است، این سخن چنین معنی می‌دهد که گویا از نظر او اسلام ناقص و نارساست و الاّ چه باعث است که قواعد اسلامی را در این باب قابل تطبیق نمی‌داند؟

۱. ولادیمیر ایلیچ اولیانوف معروف به لنین: در ۲۲ اپریل ۱۸۷۰ م، زاده شد و در ۲۱ جنوری ۱۹۲۴ م، به عمر ۵۳ سالگی درگذشت. لنین نظریه‌پرداز مارکسیست و انقلابی کمونیست روسی، رهبر انقلاب ۱۹۱۷ روسیه و بنیان‌گذار دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بود و از سال ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۲ م، نخست‌وزیر روسیه شوروی و از سال ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۴ م، نخست‌وزیر اتحاد جماهیر شوروی سابق بود. لنین نظریه کمونیستی-بلشویکی را بنیان گذاشت و این دیدگاه را به جایی رساند که به انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ م، انجامید و نخستین حکومت سوسیالیستی جهان را بنیان گذاشت. هسته مرکزی حکومتی که لنین به وجود آورد، به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تبدیل شد که به‌رغم همه مشکلات و موانع دوام آورد. لنین و رهبران کمونیست کشور، روسیه را از جنگ جهانی اول بیرون کشیدند و در جنگ داخلی روسیه پیروز شدند. برای آگاهی بیشتر نگاه شود: نقد لنینیسم از منظر مارکسیسم یا سوسیال دموکراسی؟ از محسن حیدریان، ۱۷ عقرب ۱۳۸۱ ه.ش. <http://archiv.iran-emrooz.net/> heydarian/1381/heydar810817.html «مرکز تدوین»

در حالی که از نظر ملت متدین افغانستان هر نظام دیگری به غیر از اسلام مردود است.

علاوه براین، داود خان می‌خواهد به زعم خود، مردم ما را فریب دهد؛ یعنی او آرزو دارد، مردم این سخن را قبول کنند که داود فقط در ساحه اقتصادی سوسیالیست است، نه در دیگر ساحه‌ها، او فکر می‌کند، مردم از این مطلب بی‌خبرند که در نظام سوسیالیزم، اقتصاد «زیربنا» خوانده شده و کسی که زیربنا را پذیرفت، نتیجتاً «روبنا»‌های دیگری را نیز می‌پذیرد و برای اثبات این موضوع، دور نمی‌رویم و هم‌وطنان محترم را به خواندن ارگان نشراتی داود خان، (روزنامه جمهوری)^۱ دعوت می‌کنیم که در شماره ۱۳۵۴ [ه‌ش]، ۳-۱۰ خویشت، تحت عنوان «انقلاب اجتماعی»، به قلم سقا که از رفقای کمونیست داود خان است؛ اما از اظهار نام اصلی خود، در شرایط فعلی جامعه، خودداری می‌کند، نوشته شده است: «عامل اقتصادی در سیر تحولات بنیاد و پیروزی یک انقلاب، دارای نقش تعیین‌کننده است؛ ولی دانش معاصر فقط متوجه تأثیرات زیربنا بر روبنا نیست؛ بلکه روبنای اجتماعی، یعنی حقوق و سیاست، روحیات اجتماعی و امثال آن‌ها نیز به نوبه خود بر یکدیگر مؤثرند؛ ولی نقش تعیین‌کننده با زیربناست که اقتصاد است.»

۱. روزنامه جمهوری: در ۱۳ اسد ۱۳۵۲ ه‌ش، تأسیس شده است که در آن زمان مؤسس و رئیس آن دکتر سهیل و معاون آن سرشار روشنی گفته شده است. نگاه: جمهوری، شنبه، ۱۳ اسد، ۱۳۵۲ ه‌ش، سال اول، شماره اول و جمهوری، شنبه، ۱۶ سنبله، ۱۳۵۴ ه‌ش، سال دوم، شماره ۱۹۶. «مرکز تدوین»

از مطالعه و تحلیل این مقاله - که بیانگر عقاید داود خان در باب تأثیر اقتصاد بر حقوق، سیاست و روحیات اجتماعی و امثال آن است - این مطلب آشکار می‌شود که از نظر موصوف اقتصاد که نظر به اعلان داود خان، بر مبنای سوسیالیزم استوار است، نقش تعیین‌کننده را داراست؛ یعنی مُعْتَقَدات روابط اجتماعی، مسایل حقوقی و قضایی اندیشه‌های سیاسی جامعه ما، باید همگی بازتاب این زیربنای مادی باشد، این خود همان نظریه مارکسیستان است که در جهت حمله بر ادیان، پیوسته اظهار کرده و می‌کنند.

پس لقب «سردار سرخ» را که در عهد صدارت خود از طرف روزنامه‌های جهانی به‌دست آورده بود، حقیقتاً راست بوده و شایسته است که او را سردار سرخ و چاکر کمونیزم بخوانیم؛ اگرچه از باب نفاق، «تَقِیَّه»^۱ کند و البته این کار را همیشه کرده است تا جایی که قبل از اعلان سوسیالیزم به یک‌تن از تاجران می‌گفت: «من کی می‌توانم سوسیالیست باشم، در حالی که سرمایه‌دارترین شخص در این کشورم؟»

راستی سردار در مورد املاک خود سوسیالیست نیست؛ بلکه هدف او تخریب عقیده و فرهنگ است. او مانند باداران قصر کرم‌ملین^۲ خویش در زندگی شخصی

۱. در فرهنگ فارسی عمید، اصطلاح تَقِیَّه این‌گونه معنی شده است: تَقِیَّه اسم مصدر عربی است که در فقه اهل تشیع به معنای:

۱- خودداری از اظهار عقیده و مذهب یا تظاهر برخلاف عقیده؛

۲- خود را هم‌مذهب دیگران نشان دادن برای حفظ جان؛

۳- پرهیزکاری؛

۴- و پرهیز کردن، آمده است. نگاه: فرهنگ فارسی عمید. «مرکز تدوین»

۲. کاخ کرم‌ملین مسکو: یک قلعه تاریخی است که به‌صورت مجتمع در قلب شهر مسکو ساخته شده است. نام مشهور این کاخ، کرم‌ملین است - که به زبان روسی

کاپیتالیست^۱ است؛ اما در حق دیگران سوسیالیست.

۱۲- وارد کردن مسوده قانون اساسی:

از ابتکارات دیگر سردار داود خان، وارد کردن مسوده قانون اساسی برای کشور ماست.

شاید هم وطنان ما فت ترتیب زمان اعلان سوسیالیزم و قانون اساسی شده باشند که به تاریخ ۱۳۵۴ [هـ ش] اعلان قبول سوسیالیزم را نمود تا بیند مردم چه عکس‌العملی از خود نشان می‌دهند و به تعقیب آن، به تاریخ ۱۳۵۴/۱۲/۲۹ [یعنی چنده ماه بعد از آن] خبر مسوده قانون اساسی را پخش کرد و تصوّر کرد، چون مردم در اعلان سوسیالیزم عکس‌العمل فوری نشان ندادند، شاید در مورد گنج‌آیدن سوسیالیزم در قانون وارداتی او هم خاموش خواهند نشست؛ مگر ملت متدین افغان - که تعالیم ارجمند اسلام را به قیمت جان خود حفظ کرده - هرگز اجازه نخواهند داد، داود خان و بادارانش آیین آنان را به نظام ننگین

به معنای دژ می‌باشد - این کاخ از چهار قصر، چهار کلیسا و دیوارِ کرملین به همراه برج‌های کرملین تشکیل یافته‌است. از این کاخ به‌منظور اسکان رئیس‌جمهور روسیه استفاده می‌شود. «مرکز تدوین»

۱. کاپیتالیست / Capitalist: اصطلاح فرانسوی است که معنای کاپیتال همان سرمایه است و در جامعه‌شناسی نوعی از نظام اقتصادی است که بر اصول آزادی فردی در فعالیت‌های اقتصادی و حق مالکیت خصوصی بنا شده و به آن سرمایه‌داری هم گفته شده‌است. در قانون سرمایه‌داری، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع، درآمد، قیمت‌گذاری و عرضه مواد و خدمات توسط تصمیم‌گیری‌های شخصی در یک اقتصاد بازار تعیین می‌شود. مشخصه بارز قانون سرمایه‌داری این است که تولید کالا در درجه اول از برای کسب سود اقتصادی انجام می‌گیرد و نه لزوماً رفع نیازهای انسان‌ها. البته در مواردی نیز، کسب سود با رفع نیازهای انسانی همراه است. در کلی‌ترین حالت، نظام سرمایه‌داری را می‌توان به دو دسته نظام سرمایه‌داری دولتی (همچون اتحاد جماهیر شوروی پس از ۱۹۲۷ یا چین کنونی) و نظام سرمایه‌داری غیر متمرکز و غیردولتی (همچون ایالات متحده آمریکا تقسیم نمود. نگاه: «فرهنگ فارسی عمید» و کتاب «سرمایه‌داری دولتی» به قلم جاشوا کورلانتریک. «مرکز تدوین»)

سوسیالیزم و لودر هر شکلی که باشد و هر نامی که به آن گذارند، تغییر دهد.

مردم غیور و باایمان افغانستان اخطار می‌دهند، زینهار از اینکه به نام سوسیالیزم و یا کدام عنوان دیگری، کسی در زیربنای اعتقادی و تعلیم دینی آنان تغییری وارد آورد.

مسودهٔ قانون اساسی داود خان از نظر مردم متدین افغان، از هر جهت مردود است، چه از یک طرف، در ترتیب مسودهٔ آن فکر و آرمان خود مردم منعکس نشده و تا هنوز روشن نیست که کدام قدرت استعماری و به خاطر استحکام چه نوع مصالح خود، این قانون اساسی را تسوید کرده است و دیگر اینکه در اوضاع استبداد و اختناق که مجالی به آرا و نظریات مردم در تعیین سرنوشت‌شان نباشد و حتی ندانند توسط چه کسی و در کجا این قانون مسوده شد؟! آیا ممکن است مردم ما چنین قانونی را به حیث قانون اساسی خود بپذیرند؟

قانونی که دولت در تنظیم آن، «خود کوزه و خود کوزه‌گر و خود گل کوزه»^۱ باشد، محال است که مردم آن را بپذیرند. دولت این قانون را از هر جا که خواسته و وارد کرده، سپس آن را به عمال خود سپرده تا تصویبش کنند.

۱. نتوانستیم بدانیم که این ضرب المثل، از این سخن خیام «کو کوزه‌گر و کوزه‌خر و کوزه فروش» اقتباس شده است و یا نه بنیاد سخن خیام این ضرب المثل است. رباعی خیام این است:

در کارگاه کوزه‌گری رفتم دوش * * * دیدم دو هزار کوزه گویا و خموش
 ناگاه یکی کوزه برآورد خروش * * * کو کوزه‌گر و کوزه‌خر و کوزه فروش. نگاه: خیام، عمر، رباعیات، رباعی شماره: ۱۱۷. «مرکز تدوین»

«کمیسیون قانون اساسی» خود یک اهانت دیگری است که به مقام معنوی ملت افغان شده و ضربت کشنده‌ای است که بر ملت باتاریخ و بافرهنگ ما وارد شده است؛ مگر سپردن قانون اساسی غرض تصویب به کمیسیونی که مرکب از کمپودر حیوانات چون حسن شرق و کور بی سوادى چون عبد الاله و عده‌ای از تاپیست‌ها و قابله‌هاست، اهانت به ملت بافرهنگ و باتاریخ افغانستان نیست؟

شما از باب تجربه یک صفحه‌ای از «بخوان و بدان» وزارت معارف را به عبد الاله بسپارید، اگر آن را تا آخرین سطر صحیح خواند، راستی که دولت در انتخاب خود حق‌به‌جانب است و الا چرا با این بی‌شرمی ملت ما را در انظار جهانیان جاهل و بی‌فرهنگ معرفی می‌کند؟

این قانون فقط فریبکاری و حيله‌گری است، چنین قانونی هرگز ترجمان آرزوهای مردم و بازتاب عقیده و فرهنگ آنان شده نمی‌تواند، پس یک‌سره مردود است.

۱۳- دسیسه حزب جمهوریت:

سردار، در پهلوی سایر جنایات شوم و ننگین خویش، در از بین بردن همه انواع آزادی‌ها و محکوم‌ساختن ملت محروم و بیچاره ما و در راه خاموش ساختن همه آوازه‌ها، دسیسه «حزب جمهوریت» را روی دست گرفته تا قافله‌ای از بردگان حلقه‌به‌گوش و سپاهی از مداحان کاسه‌لیس را گرد آورد تا از راه آن، آزادی‌ها را مختنق ساخته و بساط ظلم و استبداد خود را گسترده‌تر سازد.

نام‌نویسی و سرشماری برای حزب به فجع‌ترین شکل آن صورت می‌گیرد؛

چون ملت ما ابعاد این دسیسه را درک کرده، آماده نیستند که عضویت ننگین آن را قبول کنند؛ لذا از راه تهدید و فشار، تویخ و تطمیع، نام‌نویسی صورت می‌گیرد.

شاگردان معارف به اخراج از مکتب و مأمورین به زندان و برطرفی تهدید می‌شوند، علمای مذهبی به چهاونی‌ها^۱ خواسته می‌شوند و تحت تهدید تانک و مسلسل، وعده همکاری از آنان گرفته می‌شود و به گروهی هم پول و رشوه داده می‌شود تا عضویت این باند خاینانه را قبول کنند؛ اما با وجود این همه فشارها و رشوه‌ها، مردم از آن عمیقاً نفرت داشته و آماده نیستند تاریخ آینده خود را از راه عضویت در این باند، لکه‌دار سازند و از طرفی هم به این حقیقت آگاهی دارند که عمر این حزب و این نظام بسیار کوتاه است؛ زیرا هیچ عاملی برای بقای نظام خاینانه داود خان وجود ندارد و آن روز بعید نیست که مردم با قیام مردانه خود، این بساط ننگین را برچینند و این لکه را از تاریخ خود دور سازند و آن عده از مردمی که به حکم مجبوری عضویت آن را پذیرفته‌اند، تصمیم دارند آگاهانه آن را از داخل منفجر سازند؛ زیرا برای هر افغان عار است که به زیر قومانده باندی که سرکرده‌هایش خیان وطن فروش و جاهلان مادرزاد باشند، حرکت کنند.

۱. چهاونی: گمان می‌رود که اصالت اردو داشته باشد و در اینجا به معنای اردوگاه و لشکرگاه است. «مرکز تدوین»

داود خان در آینه بین المللی

فجایع داود خان و نظام ننگین او را همه شناخته‌اند، در کشورهای بی‌طرف از دُول اسکندناوی گرفته تا شمال افریقا و اسپانیا و در همه کشورهای اسلامی، این نظام مردود شناخته شده‌است.

در سال ۱۳۵۴ نمایندگان سیزده کشور اسلامی در کنفرانسی که به‌خاطر مبارزه علیه کمونیسم در بیروت^۱ دایر شده بود، و همه اشتراک‌کنندگان، در قطعنامه خود، آدم‌کشی و استبداد حکومت داود خان و سیّد باری، جلاد صومال را -که هر دو از چاکران سوسیال امپریالیزم‌اند- به شدّت تقبیح کردند و پشتیبانی خود را از مبارزه مردم متدین این دو کشور علیه الحاد و کمونیسم اعلان کردند.

رابطه عالم اسلامی چندین بار از ظلم و استبداد داود خان، شکایت و احتجاج نموده و اعمال وحشیانه او را در برابر مردم مسلمان افغانستان به شدّت تقبیح کرده‌است.

در سال گذشته که نمایندگان افغانی در «کنفرانس پیغام مسجد» اشتراک نموده بود، نفرت عمیق

۱. پایتخت و بزرگ‌ترین شهر جمهوری لبنان در غرب قاره آسیاست. «مرکز تدوین»

نمایندگان را علیه داود خان احساس نمود. جراید کویتی و لبنانی استبداد و وحشت این نظام را بار بار تقبیح کرده‌اند و اینکه بعضی از کشورهای اسلامی به ملت افغانستان قرض می‌دهند، مفهوم آن را ندارد که این نظام در نظر این کشورها مردود نیست؛ [نه خیر] آن‌ها به‌خاطر اینکه کشور عزیز ما را از سقوط در کام اژدهای کمونیزم نجات داده باشند، قرضه‌هایی را به این نظام می‌دهند.

جراید سویدنی داستان آدم‌کشی دولت و زنده‌به‌گور کردن مخالفین را در قضیه پنجشیر طی چندین مقاله تقبیح کرده‌اند.

جریده لو موند فرانسوی^۱ طی مقاله مفصلی به قلم «جین دی لاگیوری» می‌نویسد:

«افغانستان در ماورای دیوار آهن به‌سر می‌برد. همه قدرت‌ها در احتکار داود است. او، هم رئیس دولت است، هم صدراعظم، هم وزیر خارجه و هم وزیر دفاع، از کمیته مرکزی پراسراری نام برده می‌شود؛ مگر اعضای حقیقی آن روشن نیستند. بعد از به‌میان‌آمدن داود خان، مردم سخت ناراحت شده و چندین بار علیه او قیام کرده‌اند تا حال سه بار

۱. لو موند / به فرانسوی Le Monde: به‌معنای جهان: یکی از مهم‌ترین روزنامه‌های اروپا و معتبرترین روزنامه فرانسه است. این روزنامه توسط هوبرت بوومری و به درخواست شارل دو گل، در ۱۹ دسامبر ۱۹۴۴ م و پس از آزادی فرانسه در جنگ جهانی دوم تأسیس شد. لو موند، روزنامه عصر بوده و تیراژ آن در سال ۲۰۱۱ م، بالغ بر ۳۲۵۵۹۲ نسخه بوده است. از نظر سیاسی این روزنامه، چپ میانه می‌باشد. روزنامه لوموند، نباید با ماهنامه لوموند دیپلماتیک اشتباه گرفته شود. اگرچه گروه لوموند ۵۱٪ مالکیت لو موند دیپلماتیک را داراست اما هریک دارای گروه ویراستاری مستقل اند. برای آگاهی بیشتر به وب‌سایت روزنامه لوموند / <https://www.lemonde.fr>، رجوع کنید. «مرکز تدوین»

کودتای ناکام علیه او صورت گرفته است. داود خان بیش از دوصد تن از شخصیت‌های مذهبی را به گناه مطالبهٔ جمهوریت اسلامی و حکومت‌بخشیدن قرآن و سنت، زندانی کرده است. البته این تعداد را نمایندهٔ لوموند، در روزهای اول بگیر و ببندها به دست آورده باشد؛ زیرا اکنون رقم این زندانی‌هایی که به جرم عقیده و ایمان بندی شده‌اند، بسیار زیاد است.

مردم همه ناراض‌اند، در میان قوای مسلح، سخت ناآرامی وجود دارد، داود خان قدرت را به پیروان مخلص روسیه و مارکسیستان سپرده است؛ از جمله فیض محمد و باختری که از پیروان دواشهٔ مارکس‌اند، می‌توان نام گرفت.

در اواخر جولای و اگست، بر مراکز مختلف حکومتی، در نقاط متعدد، توسط مردم حمله صورت گرفت، اگرچه دولت فقط از قضیهٔ پنجشیر نام برده؛ اما حمله در ولایات مختلف هم‌زمان صورت گرفته بود.

نویسنده در اخیر مقالهٔ خویش می‌نویسد: «داود خان با وجود همه ادعاهایش، خود او یک مرد انقلابی نیست؛ زیرا از سال ۱۹۵۳ - ۱۹۶۳ م، یعنی ظرف ده سال که قدرت را به دست داشت، کم‌ترین او اصلاحات ارضی را به میان نیاورد.»^۱

به‌راستی این مطلب کاملاً حق است. داود خان در عهد صدارت خویش^۲ به‌خاطر استحکام پایه‌های

۱. اینجای متن افتدگی داشت، حدس ما همان بود که افزودیم. «مرکز تدوین»

۲. دورهٔ صدارت داود خان: بین سال‌های ۱۳۳۲ - ۱۳۴۲ هـ.ش، گفته شده است. «مرکز تدوین»

لرزان نظام شاهی صدها تن را به زندان انداخت، پس چطور می‌توان او را یک انقلابی مخالف نظام شاهی خواند؟

او که هم‌اکنون زمین‌های خود را به فروش می‌رساند تا پول آن‌ها را به بانک‌های خارجی انتقال بدهد، چطوری می‌تواند اصلاحات ارضی واقعی را به میان آورد؟

مردم می‌دانند این حرف‌ها همه یک حيله و نیرنگ است که به این وسیله دست به یک تصفیه دیگر دست زده می‌شود تا باز گروهی به نام اینکه مخالف قانون اصلاحات ارضی‌اند، تحویل زندان گردند.

روزنامه اسپانوی به نام پابلو در مقاله‌ای تحت عنوان «افغانستان یک کشور عجیب» به قلم وایس تالون، عهد حاضر داود خان را مورد تبصره قرار داده، می‌نویسد:

«افغانستان با همه کوه‌های شامخ و سربه‌فلک، دشت‌های وسیع و امکانات خویش، به طرف پایین آسیا غرق می‌شود. با وجود وعده‌هایی توسط زعیم جدید - که سه سال پیش قدرت را به دست گرفته بود - کم‌ترین کاری صورت نگرفته‌است، هیچ پیشرفتی در تحت رژیم جدید به وجود نیامده، بسیاری مردم فکر می‌کردند، بعد از اینکه رژیم شاهی به جمهوری تبدیل شود، تغییراتی رونما گردد؛ اما هیچ نشد.

حوادث عمده‌ای که صورت گرفت، همانا تصمیم چندین کودتایی ناکام است که غرض سرنگون ساختن

این نظام صورت گرفته است.»
همه این مطالب را جرایدی نوشته اند که از هر
لحاظ بی طرف بوده و با داود خان هیچ حد بخشی
ندارند؛ پس این ها نشان دهنده این حقیقت اند که
رژیم داود خان در ذهنیت همه جهانیان مردود است.

مستقبل هولناک

گذشته ننگین و حاضر جنایت بار و فجایع مسلسل
داود خان بیانگر این حقیقت است که با وجود این
زعامتِ منحوس، آینده هولناکی در انتظار ملت افغان
است.

داود خان کشور ما را قدم به قدم به سوی تباهی
و نابودی سوق می دهد. با دوام زعامت او، استقلال
سیاسی و فرهنگ افغانستان در خطر نابودی قرار دارد.
بقای او بساط ظلم را گسترده تر می سازد، بر فقر و
بی روزگاری مردم می افزاید، ملت را تهذیب ما را در
لجنزار فساد غرق می کند، ریشه های اصیل موجودیت
و استقلال ملی ما را قطع می کند، کشور را به حیث
میدان نفوذ و پایگاه استعمار نوین تبدیل می کند،
تضادها تشدید می گردد، جرایم و پارازیت های هواداران
کرم لین تکثر نموده و به هر طرف پخش می شوند و
استعدادها و مغزهای مفکر جامعه یا فرار می کنند و یا
زندانی و کشته و یا نظر بند می گردند و در نتیجه، میدان
برای چاکران فرمان بردار و کورسوادان و کوردمانگان
خالی می ماند، کشور تا گلو در قرصه های خارجی

غرق شده و چندین نسل بعدتر هم نمی‌تواند از زیر بار گران و ام‌های خارجی شانه خود را خالی کند. این چنین مواد خام و پیداوار طبیعی ما را اژدهای سوسیال امپریالیزم بیشتر خواهد بلعید و مردم ستمدیده و محروم ما با اندام‌های نیمه‌برهنه و لاغر، چهره‌های غم‌انگیز و زعفرانی، در زنجیر محکومیت خارجی‌ان قرار خواهند گرفت؛ اما ملت غیرتمند ما به این ذلت تن خواهند داد؟

این سوالی است که جواب آن را شجاعان رزمنده افغان زود خواهند داد.

نمایه

اسما و اشخاص:

ابوبکر صدیق رضی اللہ عنہ ۲۰

استالین ۴۲

اسماعیل بلخی ۳۱

باختری ۷۱

برژنف ۴۰

پروفیسور نوروز علی ۳۱

پنکوفسکی ۳۶

جین دی لاگیوری ۷۰

حسن شرق ۴۱، ۶۴

خواجہ نعیم ۳۱

داود خان ، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۳۰، ۳۳، ۳۴، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۶،

۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۳، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳

، ۶۵، ۶۷، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۷

سقا ۶۰

سکولودسکی ۳۸

سلیمان لایق ۴۹

سیّد باری ۶۹

عبدالالہ ۶۴

علی اصغر شعاع ۳۰

غلام احمد قادیانی ۵۷

فاروق اعظم ۵۰

فیض محمد ۴۲، ۷۱

لنین ۳۲، ۴۲، ۵۹

مارکس ۵۸، ۵۹

میوندوال ۴۴

نهر ۳۷

نیکولای تزاری ۴۱

اماکن:

آسیا ۳۹

اروپا ۳۹

اسپانیا ۵۱،۶۹

استرالیا ۳۳،۵۲

اسکندناوی ۶۹

افغانستان، ۲۳، ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۳۹،

۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۴۸، ۴۹، ۵۶، ۵۷، ۶۰، ۶۳

بحر هند ۳۳، ۵۵

بیروت ۶۹

پاریس ۲۹

پاکستان ۳۴، ۳۷، ۳۸، ۴۴، ۴۶، ۵۷

پرتگال ۴۰، ۵۲

پشتونستان وات ۵۱

پکتیا ۲۳، ۴۹

پنجشیر ۲۳، ۴۴، ۷۰، ۷۱

پولیتخنیک ۴۸، ۴۹

تیۀ ملنگجان ۵۱

چُغهِ سَرای ۴۶

چنداؤل ۳۰، ۳۱

دهمزنګ ۴۳

دیورند ۳۳، ۳۴

روسیه ۳۹، ۶۲

روسیه شوروی ۳۳،۳۵،۵۵،۵۹

ریشخور ۲۸

زندان ولادیمیر ۴۳

شاهراه سالنگ ۳۲

شمال افریقا ۶۹

شمالی ۲۸،۵۰

شهر نو ۵۱

صفحات شمال ۳۲

صومال ۶۹

قصر کرم‌لین ۶۱

قندهار ۳۰

کابل ۲۴

کرم‌لین ۶۱،۶۲

کشورهای خلیج ۴۵

کشورهای غربی ۴۰

کنر ۲۳،۴۶

لاهور ۳۵

لغمان ۲۳،۴۴

لیسه استقلال ۲۸،۲۹

مروور ۴۵،

مری ۳۵

مسکو ۳۶،۴۰،۶۱

هند ۲۷،۲۸،۳۳،۳۴،۳۷،۵۵،۵۷

گروه‌ها، احزاب و قبایل ..

اتحاد شوروی ۳۹،۴۰،۴۲،۴۹

احزاب کمونیست ۴۰

اشراف‌زادگان ۲۷

افسران افغانی ۳۸

امپراتوری شوروی ۳۳

بلوچ ۳۳،۳۴،۳۵

پیروان قرآن ۲۳

تاجیک‌ها ۳۱

ترکمن‌ها ۳۱

جباران ۲۱

حجاج ۴۸

حزب جمهوریت ۶۴

حزب دموکراتیک خلق ۴۲

حزب کمونیست روسیه ۴۰

حزب وطن ۴۲

خدمتکار خدای ۳۴

خلق و پرچم ۴۲،۴۸

دشمنان خدا ۲۳

روس‌ها ۳۲

ستمگران ۱۹،۲۱

شبکه‌های جاسوسی ۳۵،۳۹،۴۰

صهیونیزم ۲۲

علمای مذهبی ۳۱،۴۸،۶۵

فرانسویان ۵۱

فرشتگان ۲۰،۲۱

کاخ‌نشینان ۲۷

کنفرانس پیغام مسجد ۶۹

مارکسیستان ۶۱،۷۱

مأمورین ۶۵

متخصصین روسی ۴۴

محمّدزایی ۲۷،۲۸،۵۱

مشرکین ۵۵

نیشنل عوامی ۳۴

هزاره ۳۰،۳۱

یفتلی‌ها ۲۷،۲۸

مفاهيم و اصطلاحات:

اختراع ۵۶

اخلاق ۳۹، ۵۱

اذان ۴۸

آزادی ۱۹، ۲۰، ۳۷، ۵۹، ۶۲، ۷۰

استبداد ۱۹، ۲۰، ۳۴، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۵۵، ۵۸، ۵۹، ۶۳، ۶۴، ۶۹، ۷۰

استعمار ۲۹، ۳۲، ۵۵، ۵۷، ۷۷

استقلال ۲۹، ۳۳، ۳۷، ۷۷

اسکان ۶۲

اسلام ۲۱، ۲۲، ۲۹، ۳۷، ۴۵، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۵۱، ۵۵، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۲

اعمار ۴۳

اغفال ۲۲

اقتصاد ۲۲، ۲۳، ۳۱، ۵۸، ۶۰، ۶۱، ۶۲

امپراتوری ۳۲

انسانیت ۲۲

ایدیولوژی ۳۲، ۵۶، ۵۷

ایمان ۲۲، ۷۱

برید جنرالی ۲۹

بیکاری ۵۶

تاریخ ، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۴، ۳۶، ۳۷، ۴۱، ۴۲، ۵۰،
۵۲، ۵۷، ۶۲، ۶۵

تبعید ۳۱

تجاوز ۴۲

تطمیع ۶۵

تعذیب ۳۰، ۴۳، ۴۶، ۵۶

تقلب ۴۶

تقیّه ۶۱

تهذیب ۵۱

تویخ ۶۵

جاهل ۴۱، ۶۴

جنایات ۴۲

جنگ ۲۸، ۳۲، ۳۵، ۳۶، ۳۹، ۴۱، ۴۲، ۵۵، ۵۶، ۵۹، ۷۰

جهاد ۲۰

جهان ۳۹

الحاد ۴۸، ۵۸، ۶۹

حجاب ۳۲

حرّیت ۱۹

حقوق ۲۲، ۶۰، ۶۱

خدعه ۴۰

خلافت ۲۰، ۵۰، ۵۲

دِرَفش ۲۳

دین ۳۹، ۴۵، ۴۹

روبنا ۶۰

روح ۲۰، ۲۲

روس ۴۳

زعامت ۱۳، ۱۴، ۷۷

زیربنا ۶۰

سردار سرخ ۶۱

سقا ۲۳، ۳۵

سوسیال امپریالیزم ۳۲، ۳۹، ۵۸، ۷۸

سوسیالیزم ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳

سیاست ۳۷، ۵۸، ۶۰، ۶۱

شهادت ۴۲

ظلم ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۳۴، ۳۹، ۴۰، ۵۵، ۵۶، ۵۹، ۶۴، ۶۹، ۷۷

عدل ۱۹

فجایع ۴۶، ۵۸، ۶۹، ۷۷

فرهنگ ۲۰، ۲۱، ۳۰، ۴۳، ۴۵، ۵۶، ۵۷، ۶۱، ۶۲، ۶۴، ۷۷

فقر ۵۶، ۷۷

قیام ۲۱، ۲۳، ۴۱، ۶۵، ۷۰

کاپیتالیست ۶۲

کثیف ۴۳

کفر ۵۸

کلیسا ۶۲

کمپودر ۴۱، ۶۴

کمونیسم ۲۲، ۳۵، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۸، ۶۱، ۶۹، ۷۰

کودتا ۲۴، ۳۹، ۴۰، ۴۷

مالکیت اشتراکی ۲۲

مختنق ۶۴

مذهب ۴۹، ۵۶، ۶۱

مسلمان ۴۲، ۴۳

مقاومت ۱۹،۲۰،۲۱،۲۲،۵۰

ملت ۱۹،۲۱،۲۲،۲۳،۲۹،۳۵،۳۹،۴۶،۵۱،۵۶،۵۷،۶۰،۶۲،۶

۴،۶۵،۷۰،۷۷،۷۸

منحوس ۴۲

نفاق ۴۰،۴۶،۴۸،۵۰،۶۱

هجرت ۲۰،۴۴،۵۰،۵۶

هنر ۵۱

هولناک ۲۰،۲۸،۴۳،۷۵

وحشیانه ۴۲

رویکردها

**** قرآن کریم؛**

۱- احمدیان، عبدالله (۱۳۸۸). سیمای صادق فاروق اعظم عمر بن خطاب ~ ، نوبت چاپ: دوم، ناشر: اداره دارالنشر افغانستان؛

۲- استریکلر، جمیز ای (۱۸۳۱). روسیه تزاری، ترجمه: مهدی حقیقت خواه، تهران، نشر: ققنوس، تهران، ایران؛
۳- انصاری، سلطان محمد (۱۳۹۴). جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، نوبت چاپ: اول، ناشر: انتشارات بین المللی سرور سعادت، محل چاپ: کابل، چهارراهی دهن باغ؛

۴- آرلوف، الکساندر (۱۳۸۹). تاریخ سری جنایت های استالین، مترجم: عنایت الله رضا، انتشارات کتاب سرا، تهران؛

۵- آریا، محمدنجیم (۱۳۸۷). محمد هاشم میوندوال، چاپ چهارم، ناشر: مرکز نشراتی میوند، سبا کتابخانه؛
۶- آشوری، داریوش (۱۳۹۳). دانشنامه سیاسی، چاپ: بیست و سوم، ناشر: انتشارات مروارید، محل نشر: تهران،

ایران؛

۷- آکسلی، پتر (۲۰۰۱). روسیه: از تزارها تا کمیسارها، انتشارات دانشگاه آکسفورد؛

۸- بختیاری، سعید (۱۳۹۴). اطلس جامع گیتاشناسی ۹۴ - ۹۳، تهیه و تدوین: واحد پژوهش و تألیف گیتاشناسی، چاپ: اول، چاپ: هامون، ناشر: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، محل نشر: تهران، ایران؛

۹- بلخی، سید اسماعیل (۱۳۹۷). دیوان علامه شهید سید اسماعیل بلخی، مقدمه، تصحیح و ویرایش: دکتر سیده شکوفه اکبرزاده، چاپ اول، کابل، انتشارات بنیاد اندیشه؛
۱۰- بنا، حسن (۱۳۸۰). نگرش‌هایی در اسلام، مترجم: مصطفی اربابی، ناشر: سنت تایباد، ایران؛

۱۱- جلالی‌پور، حمیدرضا - محمدی، جمال (۱۳۹۴). نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی، چاپ ششم، نشر نی، تهران؛

۱۲- جواهر لعل نهرو (۱۳۸۶). نگاهی به تاریخ جهان، ۳-۱، مترجم: محمود تفضلی، چاپ سیزدهم، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ایران؛

۱۳- حق‌شناس، شیراحمد نصری (۱۹۸۴ م). دسایس و جنایات روس در افغانستان: از امیر دوست محمد تا ببرک، ناشر: کمیته فرهنگی دفتر مرکزی جمعیت اسلامی افغانستان؛

۱۴- الخالدی، صلاح عبدالفتاح (۱۳۸۲). خلفای راشدین از خلافت تا شهادت، ترجمه: عبدالعزیز سلیمی، نوبت چاپ، دوم، چاپخانه: مهارت، ناشر: نشر احسان، محل نشر: تهران، ایران؛

- ۱۵- خیام، عمر (بی تا). رباعیات، (بی جا)؛
- ۱۶- دانشیار، امیر اعتماد (۱۳۷۱). جنگ افغانستان و شوروی عامل فروپاشی جهانی کمونیزم، نوبت چاپ: اول، چاپ: گلینی، ناشر: مؤسسه انتشارات بهینه، تهران، ایران؛
- ۱۷- دیمز، لنگوورث، فهرست و نسب درانی ها، (مقاله) مجله مسکوکات، جلد سوم، جزء هشتم، صفحات ۳۲۵ - ۳۶۳ سال ۱۸۸۸ م؛
- ۱۸- ربانی، برهان الدین (۱۳۹۵). محمد Y نخستین مربی و آموزگار بشریت، چاپ سوم، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، چاپخانه بهیر، کابل، افغانستان؛
- ۱۹- ریتزر، جورج (۱۳۸۴). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، مترجم: محسن ثلاثی، چاپ دهم، انتشارات علمی، تهران، ایران؛
- ۲۰- سباعی، مصطفی (۱۳۹۰). ستارگان هدایت، مترجم: امیر صادق تبریزی، نوبت چاپ: دوم، ناشر: انتشارات گُردستان؛
- ۲۱- شارق، محمدکاظم (۱۳۶۰). ارزش خون در کمونیزم و اسلام، (مقاله)، میثاق خون، ص: ۴۴، شماره سیزدهم، ناشر: انجمن نویسندگان و سخنوران جمعیت اسلامی افغانستان؛
- ۲۲- عابد، عبدالباری (۱۳۹۸). یفتلی ها (هیاطله یا هون‌های سفید) مقاله تحقیقی، تحقیقات کوشانی، مجله علمی - تحقیقی، شماره مسلسل ۲۵، دور ۴، ناشر: ریاست اطلاعات و ارتباط عامه اکادمی علوم افغانستان؛
- ۲۳- عباس، محمدحسن (۱۳۹۷). تاریخ فرقه انحرافی

- قادیانیت و تأثیر آن در پاکستان، مقاله (pdf)، دو فصلنامه تخصصی نور، المصطفی، شماره ۷، خزان و زمستان؛
- ۲۴- العقاد، عباس محمود (۱۹۹۸). عبقریة عمر، ادارة النشر، ۲۱ ش احمد عربی - المهندسين - القاهرة، الناشر: دار النهضة مصر للطباعة والنشر والتوزيع؛
- ۲۵- عمید، حسن (۱۳۸۸). فرهنگ فارسی عمید، (یک جلدی)، ناشر: انتشارات: فرهنگ‌نما، نوبت چاپ: اول، محل چاپ: تهران، ایران؛
- ۲۶- غبار، میرغلام محمد (۱۳۹۴). افغانستان در مسیر تاریخ، ج ۱-۲، انتشارات بین‌المللی سرور سعادت، کابل، افغانستان؛
- ۲۷- فرهنگ، میر محمد صدیق (۱۳۸۸). افغانستان در پنج قرن اخیر، جلد اول و دوم، به کوشش محمد ابراهیم شریعتی، ناشر: انتشارات عرفان، چاپ: بیستم، تهران، ایران؛
- ۲۸- قادیانی، غلام احمد (بی‌تا). إعجاز المسيح، الخزائن الروحانية، مجلد ۱۸، (بی‌جا)؛
- ۲۹- قادیانی، غلام احمد (بی‌تا). الاستفتاء، الخزائن الروحانية، ج ۲۲، (بی‌جا)؛
- ۳۰- قادیانی، غلام احمد (بی‌تا). مرآة کمالات الإسلام، الخزائن الروحانية، مجلد ۵، (بی‌جا)؛
- ۳۱- کورلا تنزیک، جاشووا (بی‌تا). سرمایه‌داری دولتی، (بی‌جا)؛
- ۳۲- کهزاد، احمد علی (۱۳۳۰). «امیر عبدالرحمن خان و خط دیورند»، «سرمقاله روزنامه انیس» ۸ حمل ۱۳۳۰ هـ ش، شماره ۵۲، نشرات ریاست مستقل مطبوعات؛

۳۳- لین پول، استانلی (۱۳۶۳). تاریخ طبقات سلاطین اسلام، مترجم: عباس اقبال، چاپ دوم، ناشر: دنیای کتاب، تهران، ایران؛

۳۴- محمدی، غلام محمد (۱۳۸۶). بررسی تاریخی خط دیورند، این دهلیز مرگ را به رسمیت بشناسید، چاپ دوم، (بی جا)؛

۳۵- محمود، عبدالحلیم (۱۳۹۹). اسلام و سوسیالیزم، مترجم: شهید پروفیسور برهان الدین ربانی، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، چاپ دوم، کابل، افغانستان؛

۳۶- میتروخین، واسیلی (۱۳۹۰). ک.جی. بی، در افغانستان، ترجمه: احمدضیا رهگذر، نوبت چاپ: یکم، ناشر: بنگاه انتشارات میوند، کابل، افغانستان؛

۳۷- ن. بریان، شانیوف (۱۳۵۲). تاریخ روسیه از آغاز تا انقلاب اکتوبر، ترجمه و اقتباس: خان بابایی، تهران، دانشگاه تهران؛

۳۸- نوحدانی، احمدی و سیروس کاوندی کاتب، ابوالفضل (۱۳۸۹). ژئوپلیتیک اقیانوس هند و سازمان همکاری کشورهای کناره آن با تأکید بر نقش خلیج فارس، نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، دلو و حوت ۱۳۸۹، شماره ۲۸۱ و ۲۸۲؛

۳۹- الهندی، علامه علاءالدین علی المتقی بن حسام الدین (۱۴۰۵). کنز العمال فی سنن الاقوال والأفعال، الطبعة الخامسة، مؤسسة الرسالة، بیروت - لبنان؛

۴۰- پروفایل ولایت پنجشیر (pdf)، ناشر: ریاست اقتصاد ولایت پنجشیر، حمل ۱۳۹۸ هـ ش؛

۴۱- روزنامهٔ جمهوریت، شنبه، ۱۳ اسد، ۱۳۵۲ هـ ش،
سال اوّل، شمارهٔ اوّل و جمهوریت، شنبه، ۱۶ سنبله، ۱۳۵۴
هـ ش، سال دوّم، شمارهٔ ۱۹۶؛

۴۲- وبسایت معراج گشت آسمان، <https://www.mgairan.com/web/articles/view/382>
پاریس، تاریخ دریافت: ساعت: ۰۲:۲۸ بعد از ظهر،
سه شنبه، ۱۲ دلو ۱۴۰۰ خورشیدی؛

۴۳- وبسایت ولایت لوگر، منتشر شده در پنجشنبه، ۲۱
سرطان ۱۳۹۷ هـ ش، ۱۱:۲۳، مهرین - نصیر، کودتاها در
تاریخ افغانستان، دمی با تاریخ، جون، ۲۰۱۲ م، <http://logar.nu/index.php/8-2017-04-20-08-53-12/716-1288-1336>

۴۴- کاظم، سیدعبدالله (۱۴۰۰). محلهٔ چنداول، (pdf)،
http://www.afghandic.com:8080/DocLib2/kazem_sa_chendawul.pdf

۴۵- Avalone, Paul W. The Rise of Social-
Imperialism in the German Socialist Party, 1890-
1914 University of Wisconsin 1975.

http://pashtunistan.8m.net/AWAMI_NATIONAL_PARTY.htm: تاریخ دریافت مطلب،
۲۹ / ۰۱ / ۱۴۰۱ هـ ش، ساعت: ۱۲:۳۰ ظهر؛

-۴۵: Baldauf, Scott The Khudai Khidmatgar
Christian Science Monitor و Khan, Abdul K.
"The Khudai Kidmatgar (Servants of God)/
Red Shirt Movement in the Northwest Frontier
Province of British India, 1927-47." Ph.D. Diss.,

History. University of Hawaii.

۴۶-وبسایت؛ <https://muegn.ru/fa/training/shpion-penkovskii-biografiya-kak-na-samom-dele-byi-kaznen-predatel.html>.
تاریخ دریافت مطلب: ۱۸

دلو ۱۴۰۰، دوشنبه، ساعت: ۱۱:۱۰ پیش از ظهر؛
۴۷-وبسایت دانشگاه پولی تخنیک. <https://kpu.edu.af/dr> ساعت: ۰۱:۵۸ بعد از ظهر، شنبه ۱۶ دلو ۱۴۰۰
هـ ش؛

۴۸- ایوب آروین (۱۵ عقرب ۱۳۹۶ / ۶ نوامبر ۲۰۱۷)، از گذشته؛ انقلاب اکبر شوروی و افغانستان؛
غلام مجدد چگونه سلیمان لایق شد؟ وبسایت فارسی
بی بی سی / <https://www.bbc.com/persian/afghanistan-41883012>.
؛afghanistan-41883012.

۴۹- El espa ol: una lengua viva - Informe 2019 (Report). Instituto Cervantes. 2019.
؛(PDF)

۵۰- حیدریان، محسن، نقد لنینسیم از منظر مارکسیسم
یا سوسیال دموکراسی؟ ۱۷ عقرب ۱۳۸۱ هـ ش.
<http://archiv.iranemrooz.net/heydarian/1381/heydar810817.html>.

۵۱- وبسایت روزنامه لوموند. <https://www.lemonde.fr/>